

دوره قاجار و تألیفات درباره مهدویت

سید مهدی حسینی عربی

پروفسور، شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

چکیده

با بررسی تالیفات اندیش‌مندان و بزرگان هر عصر، می‌توان موضوعات مورد توجه قرار گرفته آن عصر را دریافت چرا که در هر مقطعی از تاریخ به جهت اوضاع و شرایط حاکم بر آن مقطع، برخی موضوعات مورد توجه مؤلفان قرار گرفته و رشته تالیفات آنان را به سمت خود کشانده است و عصر قاجار نیز از این امر مستثنی نبوده و با اندکی تأمل در سمت و سوی تالیفات این عصر می‌توان به خوبی دریافت که موضوع مهدویت به جهت بروز اندیشه‌های انحرافی در ایران و سایر بلاد اسلامی از مباحث مهم و مورد توجه اندیش‌مندان مسلمان اعم از شیعه و سنی بوده که کثرت کتب تدوین شده درباره مهدویت در عصر قاجار خود گویای این حقیقت می‌باشد که این نوشتار در صدد بیان همین مهم می‌باشد.

واژگان کلیدی

باب و بهائیت، امام عصر علیه السلام، مهدویت، قاجار، شیخیه، باب و بهائیت، قادیانیه، سودانی، مدعیان، احسانی، تالیفات، قصیده بغدادیه.

مقدمه

اقدامات ایل قاجار در برابر حکومت زندیه در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری، به اوج رسید. آن گاه آغامحمدخان قاجار در سال ۱۲۱۰ قمری بر اریکه قدرت نشست. عادل شاه افشار دستور داده بود که آغامحمدخان را در پنج سالگی مقطوع‌النسل کنند^۱ و او را به قاتل پدرش، کریم‌خان زند بسپارند. او که پانزده سال از عمر خود را در اسارت گذرانده بود،^۲ با روحیه‌ای پر از کینه، سلسله قاجار را بنا نهاد و تهران را پایتخت خود اعلام کرد.

به قدرت رسیدن وی، با خون‌ریزی‌های بسیار همراه بود؛ کشتار مردم کرمان برجسته‌ترین نمود آن به شمار می‌رود که در تعقیب لطف‌علی خان زند و مقاومت مردم کرمان صورت گرفت.^۳

به هر حال، آغامحمدخان، هم‌چون نادر، به دست خدمه‌اش در اردوگاه کشته شد و برادران و مدعیان سلطنت پس از او به زورآزمایی برای به دست آوردن قدرت برخاستند. حکومت آغامحمدخان و جانشینانش، یعنی از فتح‌علی‌شاه قاجار (۱۲۱۳-۱۲۵۰ قمری) تا احمدشاه (۱۳۳۷-۱۳۴۴ قمری)، نزدیک به یک قرن و نیم به طول انجامید. این دوره، ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها از این شمار است:

۱. ظهور استعمار و توجه کشورهای اروپایی به ممالک اسلامی و مداخله در امور

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشورها؛^۴

۲. آغاز نهضت مشروطیت و تبدیل حکومت استبدادی قاجاریه به سلطنت مشروطه پارلمانی؛

۳. آغاز انقلاب صنعتی و تغییر نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جهان و پیدا شدن مراکز جدید قدرت و ثروت در جهان صنعتی؛^۵

۴. گسترش صنعت چاپ و آغاز دوره شکوفایی فراگیری علمی در سراسر جهان و

شکل‌گیری جریان ترجمه آثار غربی در ممالک اسلامی؛^۶ کاوش‌های علمی و مطالعات فزاینده

۵. ظهور جریان‌های مذهبی مانند فرقه‌های آقاخانیه، بابیه و بهائیه در ایران، وهابیت

در عربستان و قادیانیه در هند و هم‌چنین جریان‌های فرهنگی - انقلابی دیگر که به

وسيله افراد به ظاهر استقلال‌خواه در کشورهای اسلامی به وقوع پیوست و امپراتوری

بزرگ اسلامی را تجزیه و هر یک از این کشورها را به مستعمره یکی از کشورهای

اروپایی تبدیل کرد؛^۷

۶. ظهور جریان‌های انقلابی و ضداستعمار و استبداد در ایران که بیشتر پایگاه مردمی

داشتند، از جمله نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی و قیام شیخ‌محمد خیابانی در آذربایجان

و...^۸

مهدویت و انتظار مهدی موعود (مهدی شخصی، نه نوعی) از ارکان مهم باورهای

شیعه امامیه است و علما در طول تاریخ، برای حفظ این اندیشه تلاش و درباره جنبه‌های

مهدویت و انتظار مهدی موعود (مهدی شخصی، نه نوعی) از ارکان مهم باورهای شیعه امامیه است و علما در طول تاریخ، برای حفظ این اندیشه تلاش و درباره جنبه‌های گوناگون این نظریه بحث کرده‌اند. اندیشه‌وران دوره قاجار در داخل و خارج از ایران نیز به این مسئله پرداخته‌اند و حتی با ظهور فرقه‌های جدید در این دوره، نوشته‌های آنان درباره مهدویت، رنگی دیگر به خود گرفت و جدی‌تر از پیش بدان پرداختند.

گوناگون این نظریه بحث کرده‌اند. اندیشه‌وران دوره قاجار در داخل و خارج از ایران نیز به این مسئله پرداخته‌اند و حتی با ظهور فرقه‌های جدید در این دوره، نوشته‌های آنان درباره مهدویت، رنگی دیگر به خود گرفت و جدی‌تر از پیش بدان پرداختند. آثار این دوره، بنا به ظهور فرقه‌های جدید و مدعیان مهدویت و نیز شرح‌های گوناگون بر ادعیه، در پی خواهد آمد.

آثار مستقل درباره مهدویت

الف) آثار نوشته شده در عراق و ایران

مراکز علمی شیعه در ایران در پی حمله افغان‌های سنی‌مذهب و غارت اصفهان و هم‌چنین بر اثر سیاست‌هایی که نادرشاه در ایران به هدف ایجاد امپراتوری چنگیزی و تیموری دنبال می‌کرد، تضعیف گردید و علما پراکنده شدند. مهاجرت طالبان علم به عراق بر اثر بحران‌های سیاسی و نظامی موجود سبب شد که مرکزیت علمی شیعه از ایران بویژه اصفهان به عراق منتقل شود.^۸ استقلال ایران پس از سلسله افشار، در دوره کریم‌خان زند تا اندازه‌ای تأمین شد، ولی پس از او، دوباره درگیری‌هایی میان مدعیان قدرت رخ داد تا این که حکومت قاجار به صحنه سیاست آمد.

ایران در طول این مدت، صحنه تاخت‌وتاز شاهزادگان بر سر قدرت بود که ویرانی و خرابی، دست‌آورد این رقابت‌ها شد. باید گفت این ویرانی‌ها در روند مراکز علمی نیز تأثیر گذاشت. با این همه، در دوره قاجار پس از آغامحمدخان، روابط میان علما و سلطنت کمی بهبود یافت.^۹ عالمان در چنین بستری، با وجود مشکلات فراروی حوزه‌های علمیه در ایران و عراق، به مسئله مهدویت بسیار اهمیت داده‌اند و آثار فراوانی در این زمینه بر جای نهاده‌اند. فهرستی از نوشته‌های مستقل درباره مهدویت در حوزه‌های ایران و عراق، در این بخش براساس تاریخ وفات نویسندگان و تاریخ نوشته شدن آثار تنظیم شده است:

۱. ذخیره المحشر فی احوال الامام المنتظر علیه السلام نوشته شیخ محمد ابو عزیز خطی بحرانی (درگذشته حدود ۱۲۰۰ قمری)؛ صاحب الدرعیه پس از آوردن نام کتاب می‌گوید که نام آن در اصل الذخیره فی المحشر فی مولد الامام المنتظر است.^{۱۰}

۲. سرور المؤمنین، نوشته سیداحمد بن سیدمحمد حسینی اردکانی (درگذشته پس از ۱۲۳۸ قمری)؛ این کتاب ترجمه کتاب *عوامل* است که به دستور محمدولی میرزا به فارسی ترجمه شده بود.^{۱۱}

۳. *علامات الظهور و احوال الامام المستور*، نوشته سیدعبدالله بن سید محمد رضا شبر (درگذشته ۱۲۴۲ قمری)؛ وی فصل اول کتاب خود را به نشانه‌های ظهور حضرت حجة بن الحسن علیه السلام اختصاص داده است.^{۱۲}

۴. *الفلك المشحون*، نوشته سیدباقر بن سیداحمد موسوی قزوینی (درگذشته ۱۲۴۴ قمری)؛ این کتاب از منابع مرحوم نوری در *نجم الثاقب* به شمار می‌رود. نویسنده، استاد محمدعلی میرزا (پسر فتح‌علی شاه) بوده است.^{۱۳}

۵. *تفصیل القائم المهدی علیه السلام*، نوشته فتح‌علی شاه قاجار (درگذشته ۱۲۵۰ قمری)؛ شاه قاجار این کتاب را در اثبات برتری حضرت بقیه‌الله علیه السلام بر دیگر امامان علیهم السلام نوشته است. شیخ احمد احسانی (متولد ۱۲۴۳ قمری) رئیس فرقه شیخیه بر این کتاب ردی نوشته است.^{۱۴}

۶. *اقامة الحدود فی آیام غیبة الامام الحجة علیه السلام*، نوشته سید محمدباقر شفتی (درگذشته ۱۲۶۹ قمری)؛ وی از شاگردان سیدمهدی بحر العلوم و به «حجة الاسلام» معروف بوده است.^{۱۵}

۷. *کشف الحق*، نوشته میر محمدصادق خاتون‌آبادی (درگذشته ۱۲۷۰ قمری)؛ مرحوم خاتون‌آبادی پس از مباحثه و مجادله با علی محمد باب و ابطال ادعای وی، این کتاب را در سال ۱۲۶۳ قمری نوشت و به شرح چهل حدیث درباره حضرت مهدی پرداخت. به همین سبب، این کتاب به «اربعین خاتون‌آبادی» شهرت یافته است. این کتاب بخش دومی نیز در زمینه رجعت دارد.^{۱۶}

۸ و ۹. *رسالة فی حرمة تسمية الحجة صاحب الزمان*، نوشته سید محمدتقی بن امیر مؤمن حسینی قزوینی (درگذشته ۱۲۷۰ قمری)؛ برای معرفی دیگر آثار نویسنده به کتاب *رسالة فی النهی عن التسمية* باید اشاره کرد.^{۱۷}

۱۰. *الشهاب الثاقب فی احوال الامام الغائب*، نوشته درویش

علی بن حسین بغدادی حائری (درگذشته ۱۲۷۷ قمری)؛^{۱۸}

۱۱. *تمام حجت در اثبات قائم حجت*، نوشته محمدصادق

بنی آقا محمد نمیمی لنکرانی (در گذشته ۱۲۸۵ قمری)؛ مؤلف از شاگردان صاحب ریاض و منسوب به «نمین» (از شهرهای اردبیل) است.^{۱۹}

۱۲. *الدعة السالکة*، نوشته مولا محمدباقر بن عبدالکریم دهدشتی بهبهانی (در گذشته ۱۲۸۵ قمری)؛ جلد اول تا سوم این کتاب در مصائب و مناقب اهل بیت علیهم السلام و بدی‌های دشمنان اهل بیت علیهم السلام است و جلد چهارم آن به حضرت بقیة الله رضی الله عنه اختصاص دارد.^{۲۰}

۱۳. *جوابات المولی اسماعیل*، نوشته ملاهادی سبزواری (در گذشته ۱۲۸۶ قمری)؛ حاجی سبزواری، صاحب منظومه، این کتاب را در پاسخ به پرسش‌های مولا اسماعیل بجنوردی درباره طول عمر، سیره، ظهور و شیوه تسلط حضرت مهدی بر صحنه گیتی نوشته است.^{۲۱}

۱۴. *الامام الثانی عشر*، نوشته سیدمحمد بن عبدالصمد شهشهانی اصفهانی (در گذشته ۱۲۸۷ قمری)؛ مؤلف در این کتاب به اثبات امامت و وجود حضرت ولی عصر، تشریف یافتگان، نواب اربعه، ضرورت غیبت، سیرت و دیگر ویژگی‌های آن حضرت می‌پردازد.^{۲۲}

۱۵. *ملاحم القرآن*، حاج میرزا ابوالقاسم فرزند میرزا کاظم موسوی زنجانی (در گذشته ۱۲۹۲ قمری)؛ این کتاب، حدیث ملاحم را که از امام باقر علیه السلام نقل شده، شرح می‌کند.^{۲۳}

۱۶. *برکات القائم لا یقاط النائم*، نوشته ابوالحسن بن محمد کاظم جاجرمی (قرن سیزدهم)؛ مؤلف در این کتاب آثار زبان بار جور و ستم را برشمرده و از ستم‌ستیزی حضرت مهدی سخن گفته است.^{۲۴}

۱۷. *تحفة اهل الایمان لصاحب العصر و الزمان*، نوشته محمد بن عبدعلی بن محمد بن عبدالجبار (قرن سیزدهم)؛ نویسنده در این کتاب به مسئله رجعت می‌پردازد. وی آیات و احادیث درباره رجعت را به صورت گسترده درمی‌افکند.^{۲۵}

۱۸. *مجموعه فی وقایع*، نوشته مولا باقر بن رضاشاه عبدالعظیمی (قرن سیزدهم)؛ این کتاب به وقایع آخرزمان و همچنین برخی اخبار غیبت و احوال حضرت حجت می‌پردازد.^{۲۶}

۱۹. *نعمة المنان فی رجعة صاحب الزمان*، نوشته احمد بن صالح آل طوق (قرن سیزدهم)؛ وی از شاگردان شیخ احمد احسائی (متولد ۱۲۴۱ قمری) رئیس فرقه شیخیه است.^{۲۷}

۲۰. *الغیبة و الرجعة*، نوشته یکی از شاگردان شیخ احمد احسائی که براساس گفته صاحب الذریعة، شاید نام نویسنده آن، محمدباقر باشد؛^{۲۸}

۲۱. *الدرر الغیبة*، نوشته شیخ محمد بن مقیم بارفروشی مازندرانی (قرن سیزدهم)؛ این کتاب سی بخش دارد و هر بخش با آیه‌ای از قرآن کریم آغاز می‌شود که احادیث و مطالب در زیر آن آمده است. نویسنده در این کتاب، غیبت حضرت مهدی و نشانه‌های ظهور آن حضرت را در پرتو آیات یاد شده، آورده است.^{۲۹}

۲۲. *اثبات الرجعة*، نوشته مفتی میر محمدعباس بن علی اکبر موسوی تستری (در گذشته ۱۳۰۶ قمری)؛^{۳۰}

ایران در طول این مدت، صحنه تاخت و تاز شاهزادگان بر سر قدرت بود که ویرانی و خرابی، دست آورد این رقابت‌ها شد. باید گفت این ویرانی‌ها در روند مراکز علمی نیز تأثیر گذاشت. با این همه، در دوره قاجار پس از آغامحمدخان، روابط میان علما و سلطنت کمی بهبود یافت.^۱ عالمان در چنین بستری، با وجود مشکلات فراوی حوزه‌های علمیه در ایران و عراق، به مسئله مهدویت بسیار اهمیت داده‌اند و آثار فراوانی در این زمینه بر جای نهاده‌اند.

۲۳. *الجواهر العبقریة*، نوشته موسوی تستری، (در گذشته ۱۳۰۶ قمری)؛ نویسنده در این کتاب به رد مبحث غیبت کتاب *التحفة الاثنی عشریة* می‌پردازد. وی در شهر لکنهو در هند در گذشته است.^{۳۱}

۲۴. *استقصاء الافحام*، نوشته میر حامدحسین بن امیرمحمد قلی نیشابوری (در گذشته ۱۳۰۶ قمری)؛ یکی از علمای اهل سنت کتابی به نام *منتهی الکلام* نوشته و برخی مسائل مهدویت را نقد کرده است. به همین دلیل، مرحوم سیدحامد حسین، این کتاب را در پاسخ به شبهه‌های وی و اثبات وجود مقدس حضرت صاحب‌الامر نوشته و آن را *استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام فی رد منتهی الکلام* نام نهاده است.^{۳۲}

۲۵. *حجج الکرامه فی آثار القیامة*، نوشته محمدصدیق بن حسن خان قنوجی، (در گذشته ۱۳۰۷ قمری)؛^{۳۳}

۲۶. *دارالسلام فی بیان جملة من احوال الامام الغائب خاتم الاوصیاء*، شیخ محمود بن جعفر بن باقر عراقی (در گذشته پیرامون ۱۳۱۰ قمری)؛^{۳۴}

۲۷. *فتوحات نظامیه در غیبت امام زمان*، نوشته سیدرفیع بن علی اصغر طباطبایی تبریزی؛ این کتاب در سال ۱۳۱۱ قمری در تبریز چاپ شده و میرزا محمدحسین شهرستانی و تنی چند از بزرگان بر آن تقریظ نوشته‌اند.^{۳۵}

۲۸. *بدایع الکلام فی من فاز بلقاء الامام*، نوشته سید جمال‌الدین محمد بن حسین یزدی واعظ (در گذشته پیرامون ۱۳۱۳ قمری)؛ سید جمال‌الدین محمد، در فهرست کتب به این کتاب اشاره شده است.^{۳۶}

۲۹. *عریضة التوسل و ذریعة الترسل*، نوشته مولا باقر بن اسماعیل کجوری (در گذشته ۱۳۱۳ قمری)؛ وی در این کتاب آداب توسل جستن و عریضه نگاشتن به پیش‌گاه حضرت ولی‌عصر را آورده است.^{۳۷}

۳۰. *الحجة البالغة و النعمة السابقة*، نوشته محمدحسین بن محمدعلی حسینی شهرستانی (در گذشته ۱۳۱۵ قمری)؛^{۳۸} این کتاب در اثبات وجود حضرت بقیة‌الله است.^{۳۹}

۳۱ و ۳۲. *ضیاء الانوار فی احوال خاتم الانمة الاطهار*، نوشته سیدمرتضی بن میراحمد طباطبایی یزدی (در گذشته ۱۳۱۵ قمری)؛^{۴۰} این کتاب به موضوع‌های زیر می‌پردازد: تولد،

نصوص رسیده، بشارت ظهور، تشرف یافتگان به محضر حضرت ولی‌عصر. نویسنده، کتاب دیگری به نام *عظائم الامور من علائم الظهور* نیز نوشته است. البته آقابزرگ تهرانی در جایی این کتاب را به سیدمرتضی طباطبایی نسبت داده و در جای دیگر به پسرش سیدحسن بن سیدمرتضی (در گذشته ۱۳۲۰ قمری) نسبت می‌دهد.^{۴۱}

۳۳. *رسالة فی غیبة الحجة*، نوشته شیخ‌احمد بن درویش‌علی بغدادی حائری (در گذشته پیرامون ۱۳۲۰ قمری)؛ وی فرزند درویش‌علی بغدادی، نویسنده کتاب *الشهاب الثاقب* است. هرچند به خود نویسنده هم کتابی به نام *الشهاب الثاقب* نسبت داده‌اند، ولی صاحب *الذریعة* احتمال داده است که این کتاب با *الشهاب الثاقب* پدر نویسنده یکی باشد.^{۴۲}

۳۴ و ۳۵ و ۳۶. *نجم الثاقب*، نوشته حاج میرزا حسین طبرسی نوری (در گذشته ۱۳۲۰ قمری)؛ نویسنده بزرگ‌وار، این کتاب را به امر میرزای شیرازی بزرگ نوشته و آن را در دوازده بخش تنظیم کرده و از اسامی و القاب، شمایل و اوصاف، احادیث، تشرف یافتگان، وظایف شیعیان در دوران غیبت و اوقات ویژه آن حضرت، یاد کرده است.^{۴۳} از آثار دیگر وی درباره مهدویت به *جنة المأوی* و *کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار* می‌توان اشاره کرد.^{۴۴} نویسنده کتاب *کشف خود* را که قصیده بغدادیه را رد می‌کند، در مدت چند روز نوشته است؛^{۴۵}

۳۷. *کشف المحجة فی احوال الحجة*، نوشته میرزا محمدرضا فرزند علی‌نقی واعظ همدانی (در گذشته پس از ۱۳۲۰ قمری)؛ این کتاب در روزهای ظهور متمدی مغربی، به پیش‌نهاد احتشام‌السلطنه پسر فرهادمیرزا نوشته و به چندین زبان ترجمه شده است.^{۴۶}

۳۸. *رسالة تنبیهیه مهلویه*، نوشته سیدآقا ارومیه‌ای. نویسنده، این کتاب را در سال ۱۳۲۰ قمری نوشته است؛^{۴۷}

۳۹. *انشاء الصلوات (علی امام العصر)*، نوشته عبدالرسول فیروزکوهی نوری (در گذشته ۱۳۲۲ قمری)؛^{۴۸}

۴۰. *تکمیل الایمان فی اثبات وجود صاحب الزمان*، نوشته

شیخ‌جواد بن محرم‌علی طارمی (در گذشته ۱۳۲۵ قمری)؛^{۴۹}

۴۱. *تکالیف الأنام فی زمن غیبة الامام*، نوشته علی‌اکبر همدانی ملقب به دبیر (در گذشته ۱۳۲۵ قمری)؛^{۵۰}

۴۲. ریاض المقاصد فی شرح قصیده الشیخ حسن بن راشد فی مدح صاحب الزمان، تألیف عالم جلیل القدر حاج ملاعلی بن عبدالله علیاری، (در گذشته ۱۳۲۷ قمری)؛^{۵۱}
۴۳. صحیفه مهدویه، نوشته شیخ فضل الله نوری (به شهادت رسیده در ۱۳۲۷ قمری)؛
وی از بزرگان شیعه و از شاگردان میرزای شیرازی به شمار می‌رفت که در سیزده رجب
۱۳۲۲ قمری در تهران به دار آویخته شد. وی در کتابی با عنوان صحیفه مهدویه دعاها
ویژه امام زمان را گرد آورده است.^{۵۲}

۴۴. الاشارة، نوشته میرزا آقا بن امیر محمدعلی رضوی خوانساری دولت‌آبادی،
(در گذشته ۱۳۲۸ قمری)؛^{۵۳}

۴۵. عون المعبود، نوشته ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم‌آبادی، (در گذشته
۱۳۲۹ قمری)؛ این کتاب در شرح سنن ابی‌داوود است و به همراه آن کتاب المهدی
ابوداوود را نیز شرح می‌کند. (در جلد یازدهم کتاب عون المعبود)^{۵۴}

۴۶. تحفة المهدیه فی احوال الحجة، نوشته حسین بن نصرالله موسوی حسینی ارومی؛
نویسنده، کتاب را در سال ۱۳۳۰ قمری به پایان رسانیده است. این کتاب بخش‌هایی ویژه
از زندگی امام به شیوه روایی و همچنین مسئله رجعت را دربر می‌گیرد.^{۵۵}

۴۷. الشهاب الثاقب (السهم الثاقب)، نوشته سید محمدباقر بن میرزا ابوالقاسم حجت،
(در گذشته ۱۳۳۱ قمری)؛ نویسنده، این کتاب را در رد «ابن آوسی» و در دفاع از حریم
حضرت ولی عصر نوشته است.^{۵۶}

۴۸. السیر المکنون فی الغائب المصون، نوشته سیدحسین بن احمد بن حسن براقی،
(در گذشته ۱۳۳۲ قمری)؛^{۵۷}

۴۹. نور الانوار در آثار ظهور و رجعت ائمه اطهار علیهم‌السلام، نوشته علی اصغر بروجردی،
(در گذشته ۱۳۳۲ قمری)؛ این کتاب به احوال حضرت قائم می‌پردازد.^{۵۸}

۵۰. نور الابصار فی رجعت اهل بیت النبی المختار علیهم‌السلام، نوشته محمد بن عیسی
بن محمدعلی شروکی مجیراوی نجفی، (در گذشته ۱۳۳۳ قمری)؛^{۵۹}

۵۱. الزام الناصب فی احوال الامام الغائب، نوشته شیخ علی بن زین العابدین
بارجینی یزدی حائری (در گذشته ۱۳۳۳ قمری)؛^{۶۰}

۵۲. صاحبیه، نوشته سیداحمد بن سیدعلی ابرقوئی یزدی (در گذشته پیرامون
۱۳۳۴ قمری)؛ این کتاب، قصیده‌ای است در مدح صاحب‌الزمان و اظهار اشتیاق و ابراز
سوز هجران به پیش‌گاه آن امام انس و جان.

۵۳. محرق الجنان، نوشته شیخ مرتضی بن محمدعلی بن شیخ جعفر شوشتری (به
شهادت رسیده در ۱۳۳۴ قمری)؛ این کتاب درباره حوادث و وقایع آخرالزمان است.^{۶۱}

۵۴. الاقتباس والتضمین، نوشته مولا جعفر شرف‌الدین بن شیخ باقر تستری،
(در گذشته ۱۳۳۵ قمری)؛ نویسنده از الفیه ابن مالک استقبال کرده و در فضایل و مناقب
حضرت ولی عصر دیوان لطیفی سروده است^{۶۲} که به آن تضمین‌الانفیه و منظومه
التضمین نیز می‌گویند.^{۶۳}

۵۵. لبّ الایمان فی احوال صاحب الزمان، نوشته سید محمدباقر گنجهای، (در گذشته ۱۳۳۵ قمری)؛^{۶۴} این کتاب مدایح، مناقب و فضایل حضرت مهدی را به صورت نظم دربر دارد.^{۶۵}

۵۶. تباشیر المحرومین، نوشته شیخ محمد بن اسماعیل صدراوعظین یزدی حائری، (در گذشته ۱۳۳۷ قمری)؛ کتاب به ولادت، غیبت، ظهور و نشانه‌های ظهور حضرت صاحب الزمان می‌پردازد و نیز به تفصیل دجال و خروج آن را برمی‌رسد.^{۶۶} البته تاریخ وفات نویسنده در معجم مؤلفی الشیعه، ۱۳۳۳ قمری قید شده است.^{۶۷}

۵۷. علائم الظهور، نوشته میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی، (در گذشته ۱۳۳۷ قمری)؛ این کتاب، نشانه‌های ظهور را یکی پس از دیگری در فصل‌های گوناگونی از منابع اولیه نقل کرده است.^{۶۸}

۵۸. غوث الامة (فی اثبات الغیبة)، نوشته سیدحسن بن سیدحسین بن اسماعیل یزدی ملقب به فانی (در گذشته ۱۳۳۸ قمری)؛^{۶۹}

۵۹. لمعان الانوار، نوشته نجفی مرندی؛ نویسنده این کتاب را که به غیبت، ظهور و نشانه‌های ظهور می‌پردازد، در سال ۱۳۳۸ قمری نوشته است.^{۷۰}

۶۰ و ۶۱. بشارة الاسلام فی علامات المهدی، نوشته سیدمصطفی بن سیدابراهیم بن سیدحیدر کاظمی (در گذشته ۱۳۳۹ قمری)؛ در جلد اول این کتاب، به مطالبی از ظهور حضرت بقیةالله پرداخته و جلد دوم، به سیرت، پرچم، عدد یاران و نهی از تعیین وقت ظهور آن حضرت اشاره کرده است. اثر دیگری از این نویسنده در مسئله مهدویت با عنوان بشارة الامام بظهور المهدی در دست است.^{۷۱}

۶۲. مناظرات مع محمود شکری آلکوسی بغدادی، نوشته شیخ فتح‌الله بن محمد نمازی شیرازی اصفهانی شیخ‌الشریعه، (در گذشته ۱۳۳۹ قمری)؛^{۷۲} شیخ‌الشریعه، این کتاب را در پاسخ به یاهوسرایی‌های آلوسی (صاحب قصیده بغدادیه) نوشته که در آن به اثبات وجود حجت و امامت پرداخته است.^{۷۳}

محمود بن عبدالله بن شهاب‌الدین شکری آلوسی زاده شافعی (۱۲۷۳-۱۳۴۲ قمری)؛ پس از تحصیل در علوم گوناگون به تدریس و تألیف روی آورد. وی در سال ۱۳۰۷ قمری برای شرکت در کنگره شرق‌شناسی به استکهلم رفت و به سبب نوشتن کتاب

بلوغ الادب فی معرفة احوال العرب جایزه گرفت. با او پس از ابراز برخی عقاید خویش، مخالفت‌ها کردند و سلطان عبدالحمید دوم ناچار او را به دیار بکر تبعید نمود. وقتی وی در راه به موصل رسید، علما و بزرگان شهر از ورود وی به شهر جلوگیری کردند. اندکی بعد او را به بغداد فراخواندند. در جنگ جهانی اول، منصب قضاوت بغداد را به او پیش نهادند، ولی نپذیرفت و تنها در آغاز تشکیل دولت عراق و پادشاهی فیصل اول در ۱۹۲۱ میلادی به عضویت «مجلس معارف» درآمد. آلوسی سرانجام در بغداد درگذشت.

شمار نوشته‌های آلوسی، بیش از دیگر افراد خانواده‌اش است.^{۷۴} محمود آلوسی قصیده‌ای در بغداد درباره مسائل مهدویت و انکار وجود صاحب الزمان سرود. آن گاه که وی سروده‌اش را به نجف فرستاد، انتقادهای بسیاری برانگیخت. علمای دوران قاجار نیز بنابر هم‌عصر بودن با این واقعه برای اثبات وجود مبارک حضرت حجة بن الحسن و ردّ یاهوسرایی‌های آلوسی، آثاری با عنوان «ردیه» نوشتند.^{۷۵} از آن جمله به نوشته‌های شیخ فضل‌الله بن محمد نمازی شیرازی اصفهانی، ملقب به شیخ‌الشریعه با عنوان مناظرات مع محمود شکری آلکوسی بغدادی می‌توان اشاره کرد؛^{۷۶}

۶۳. احقاق الحق، نوشته عبدالمجید گروسی همدانی (در گذشته ۱۳۴۰ قمری)؛ این کتاب در اثبات امامت حضرت مهدی است؛^{۷۷}

۶۴. رساله در بیان رجعت ائمه علیهم‌السلام، نوشته ملا حبیب‌الله کاشانی ساوجبی (در گذشته ۱۳۴۰ قمری)؛^{۷۸}

۶۵. الدرر المنان فی شرح القصائد، نوشته میرزا محمد فاضلی بخشایشی، (در گذشته ۱۳۴۱ قمری)؛ اصل قصیده از میرزا محمد در مدح حضرت بقیةالله بوده و فرزندش میرزا حسین فاضلی آن را شرح کرده است.^{۷۹}

۶۶. بشارة الظهور، نوشته جلال‌الدین محمد بن ابی‌تراب شیرازی (در گذشته ۱۳۴۱ قمری)؛ این کتاب به بشارت‌های ظهور در قرآن کریم، ادیان گذشته و احادیث معصومان علیهم‌السلام و اعترافات اهل سنت می‌پردازد.^{۸۰}

۶۷ - ۷۱. باب الفرج، نوشته سیدمهدی بن سیدعلی غریفی (بحرانسی) (در گذشته ۱۳۴۳ قمری)؛ این اثر، قصیده‌ای در مدح حضرت بقیةالله، سیره و ظهور آن حضرت است.^{۸۱} از آثار دیگر وی به الفائدة القائدة فی ولادة الحجة المنتظر و زمان الغیبة،^{۸۲}

كشفت الستر عن وجه صاحب الامر، كشف الحيرة في ظهور صاحب الطلعة المنيرة^{۸۳}
و داعی البشر می توان اشاره کرد.^{۸۴}

۷۲. اسرار العقائد، نوشته سیدابوطالب بن سید محمد هاشم حسینی شیرازی
(درگذشته پیرامون ۱۳۴۵ قمری)؛^{۸۵} جلد اول این کتاب درباره عقاید است و جلد دوم به
حضرت بقیة الله می پردازد. نیمه اول کتاب به ولادت، غیبت، ظهور، نشانه های ظهور،
احادیث شیعه و سنی و شرح حال مادر آن حضرت و نیمه دوم کتاب به رد فرقه ضاله
اشاره دارد.^{۸۶}

۷۳. الشمس الطالعة فی ظهور صاحب الانوار الساطعة، نوشته شیخ غلام حسین
بن محمد صادق نجف آبادی اصفهانی نجفی (درگذشته ۱۳۴۵ قمری)؛ این کتاب جزو
چهاردهم از کتاب موسوم به سفن النجاة درباره امامان معصوم علیهم السلام است که شامل
حالات حضرت صاحب الامر است.^{۸۷}

۷۴-۷۵. کاشف الریة فی اخبار الحجة الغائب، نوشته شیخ ابراهیم بن عبدالمحسن
کاشی (درگذشته ۱۳۴۵ قمری)؛ الصحیفة الهادیة و التحفة المهديّة دیگر آثار نویسنده
است. کتاب الصحیفة الهادیة توقعات، ادعیه و زیارات رسیده از ناحیه مقدسه را دربر
دارد.^{۸۸}

۷۶. كشف الغيوب عن الغائب (المحجوب)، نوشته محمد علی بن مهدی قزوینی
کاظمی کشمیری، (درگذشته ۱۳۴۵ قمری)؛^{۸۹}

۷۷-۸۳. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم،^{۹۰} نوشته سید محمد تقی موسوی
اصفهانسی (۱۳۴۸ قمری)؛ وظیفه الانام فی زمن غیبة الامام و نور الابصار فی فضیلة
الانتظار، کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم، راز نیایش منتظران و حمایت امام زمان
از شیعه و در دوران غیبت امام زمان چه کنیم، از دیگر آثار نویسنده به شمار می روند.^{۹۱}
۸۴ و ۸۵. نور الانوار فی علائم الظهور الغائب عن الابصار، نوشته ابوالحسن بن
محمد مردی دولت آبادی (درگذشته ۱۳۴۹ قمری)؛^{۹۲} بستان الابرار^{۹۳} (فی علائم ظهور
الغائب عن الابصار) دیگر اثر نویسنده است. این کتاب، جلد پنجم کتاب نور الانوار
است. جلد سوم آن با نام مظهر الانوار، نشانه های ظهور آن حضرت را دربر دارد.^{۹۴}

۸۶. الشهاب الثاقب فی مدح الامام الغائب، نوشته امین الواعظین اصفهانسی
(درگذشته ۱۳۴۹ قمری)؛ حاج میرزا ابراهیم بن محمد مشهور به امین الواعظین، این کتاب
را در مدح امام غایب از دیدگان نوشته است.^{۹۵}

۸۷. بغیة الطالب فی من رأى امام الغائب، نوشته شیخ محمد باقر بن محمد حسن
قائینی بیرجندی (درگذشته ۱۳۵۲ قمری)؛^{۹۶}

۸۸. تبیین المحجة الی تعیین الحجة، نوشته حاج میرزا محسن بن محمد تبریزی معروف
به بالامجتهد، (درگذشته ۱۳۵۲ قمری)؛ این کتاب چهل حدیث را در تعیین حضرت حجة
با استشهاد از احادیث دیگر در زیر آنها دربر دارد.^{۹۷}

۸۹-۹۱. بضاعة مزجاة، نوشته علی قلی ده خوارقانی (درگذشته ۱۳۵۳ قمری)؛ وی از

مکیال المکارم فی فوائد
الدعاء للقائم، نوشته
سید محمد تقی موسوی
اصفهانسی (۱۳۴۸ قمری)؛
وظیفه الانام فی زمن غیبة
الامام و نور الابصار فی
فضیلة الانتظار، کنز الغنائم
فی فوائد الدعاء للقائم، راز
نیایش منتظران و حمایت امام
زمان از شیعه و در دوران
غیبت امام زمان چه کنیم، از
دیگر آثار نویسنده به
شمار می روند.

۱. آثار دانش‌مندان شیعه هند و عرب با موضوع مهدویت در دوران قاجار

۱ و ۲ و ۳ و ۴. رساله غیبت، نوشته سید دل‌دار علی بن محمد نقوی نصیرآبادی (درگذشته ۱۲۳۵ قمری)؛ نویسنده مقیم لکنهو در هند بوده و آثار ارزش‌مندی در دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام نوشته است. وی رساله غیبت را همراه با کتاب *ذوالفقار* در ردّ باب هفتم *تحفة اثنی عشریة* و کتاب *احیاء السنّة و امانة البدعة* را در ردّ فصل هشتم آن کتاب و نیز کتاب *عقبات الانوار* را در ردّ فصلی دیگر از کتاب *تحفة اثنی عشریة* نوشته است.^{۱۳}

۵. *رسالة فی الرجعة*، نوشته شیخ سلیمان بن احمد آل عبدالجبار (درگذشته ۱۲۶۶ قمری)؛ وی ساکن مسقط از شهرهای عمان بوده و کتب بسیاری نوشته است.^{۱۴}

۶ و ۷ و ۸. *النور*، نوشته سیدعباس مفتی لکنهویی (درگذشته ۱۳۰۶ قمری)؛ این کتاب اثر مفتی عباس درباره شرح زندگانی حضرت بقیةالله است. آثار دیگری از نویسنده، چون *نسیم صبا* در شرح جزیره *حضراء*^{۱۵} و *الجواهر العبقریة فی ردّ مبحث الغیبة من التحفة الاتنی عشریة*، می‌توان نام برد؛^{۱۶}

۹ و ۱۰. *رسالة المهدویة*، نوشته تاج‌العلماء سیدعلی بن محمد نقوی لکنهویی (درگذشته ۱۳۱۲ قمری)؛^{۱۷} کتاب *الاثنا عشریة فی البشارات العلویة* دیگر اثر اوست؛^{۱۸}

۱۱. *بشارة الغیبة*، نوشته سیدعلی اکبر بن سیدمحمد سلطان‌العلماء بن سید دل‌دار علی نقوی (درگذشته ۱۳۲۶ قمری)؛^{۱۹}

۱۲. *جواب علی مسئله فی الآیات التي قبل ظهور الساعة*، نوشته عبدالرحمن بن عبدالقادر بن فهد هاشمی علوی (درگذشته پس از ۱۳۳۴ قمری)؛^{۲۰}

۱۳. *جامعة البیان فی رجعة صاحب‌الزمان*، نوشته شیخ علی بن حسن بلادی بحرانی قطیفی (درگذشته ۱۳۴۰ قمری)؛^{۲۱} این اثر، قصیده‌ای در چهارصد بیت درباره ظهور حضرت بقیةالله و رجعت مؤمنان در عهد آن حضرت است.^{۲۲}

۱۴. *الحجة البالغة*، نوشته سید محمد مهدی بن علی بهکپوری هندی (درگذشته پس از ۱۳۴۶ قمری)؛ این کتاب در اثبات وجود مقدس امام زمان است.^{۲۳}

۱۵. *علامات قیام الساعة الصغری و الکبری*، نوشته

اهالی آذرشهر، از شهرهای پیرامون تبریز است. کتاب او صلوات، توسلات، صدقات و دعاهاى رسیده درباره عصر غیبت برای امام زمان و تعجیل برای فرج آن حضرت می‌پردازد.^{۲۴} *قصیده توسل به حضرت حجة بن الحسن و آیات الظهور فی انتظار الفرج و السرور*، از نوشته‌های دیگر اوست. این کتاب دوازده فقره از دوازده زیارت مأثوره در اثبات رجعت را دربر دارد؛^{۲۵}

۹۲. *ظهور امام*، نوشته سید شرف‌الدین بن سیداحمد حسینی قزوینی (گیلانی)؛ صاحب *النریعة* در میان منظومه‌های نسیم شمال از آن نام برده است.^{۲۶}

۹۳. *وقایع الظهور و علائمه*، نوشته شیخ عباس علی جورقانی اصفهانی (درگذشته ۱۳۵۸ قمری)؛ این کتاب در دو جلد نوشته شده است.^{۲۷}

۹۴. *الغیبة فی اثبات وجود الحجة و غیبة*، نوشته شیخ محمد حرز نجفی (درگذشته ۱۳۶۵ قمری و متولد ۱۲۷۳ قمری).^{۲۸}

ب) آثار نوشته شده در خارج از ایران و عراق

مسئله مهدویت تنها به ایران و عراق یا منطقه و مرز ویژه‌ای اختصاص ندارد، بلکه هر جا که جریان فکری و فرهنگی اسلام و بویژه تشیع جاری است، مهدویت نیز از مهم‌ترین ارکان این اعتقاد به شمار می‌رود و حضور مؤثر و پرثمری دارد. اندیشه‌وران مسلمان بنا به اقتضای زمان و شرایط فرهنگی - سیاسی حاکم بر دوران خویش، کوشیده‌اند باورهای مذهبی خویش را که از گذشتگانسان به ودیعت گرفته‌اند، به گونه صحیح و دور از تغییر، به نسل آینده برسانند. این مسئولیت زمانی اهمیت فراوان می‌یابد که افرادی بخواهند به مبانی اصیل و بنیادی اسلام و تشیع آسیب زنند و تیر حملات خویش را به سوی مهدویت و اعتقاد به ظهور مهدی موعود نشانه روند. این گونه جریان‌ها در تاریخ کم نمونه ندارد.

آثار علمای اهل سنت درباره مسئله مهدویت، احساس وظیفه آنان را درباره چنین وظیفه مهمی نشان می‌دهد. بر این اساس، آثاری به گونه جدا زیر دو عنوان آثار علمای تشیع و آثار علمای اهل سنت در پی می‌آید:

یوسف بن اسماعیل نبهانی بیروتی (درگذشته ۱۳۵۰ قمری)؛^{۱۱۴} وی قصیده راثیه‌ای در ذم بدعت‌های وهابیت نیز دارد.^{۱۱۵}

۱۶. التصریح بما تواتر فی نزول المسیح علیه السلام نوشته محمدانور شاه کشمیری (درگذشته ۱۳۵۲ قمری)؛^{۱۱۶}

۱۷. زواهر الدرر فی احوال الحجة المنتظر، نوشته سید سبط حسین بن سید رمضان علی هندی (درگذشته ۱۳۶۷ قمری)؛^{۱۱۷}

۲. تألیفات علمای اهل سنت

۱. العرف الوری فی دلائل المهدی، نوشته عبدالرحمن بن مصطفی، عید روس یمنی شافعی (درگذشته ۱۱۹۲ قمری)؛^{۱۱۸} نویسنده فردی صوفی، ادیب، شاعر و آگاه به علوم گوناگون از بزرگان اهل سنت بوده است.^{۱۱۹}

۲. احادیث فی الفتن والحوادث، نوشته محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان حنبلی (درگذشته ۱۲۰۶ قمری)؛^{۱۲۰} وی فردی وهابی به شمار می‌رود که فرقه‌ای از وهابیت را به او نسبت می‌دهند.^{۱۲۱}

۳. رساله فی تحقیق ظهور المهدی، نوشته احمد بریرم رمیاطی شافعی (درگذشته ۱۲۲۸ قمری)؛^{۱۲۲}

۴. اشراف الساعة وخروج المهدی، نوشته علی بن محمد میلی جمالی مغربی مالکی (درگذشته ۱۲۴۸ قمری)؛^{۱۲۳}

۵. التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر والدجال و المسیح علیه السلام، نوشته محمد بن علی بن محمد شوکانی (درگذشته ۱۲۵۰ قمری)؛^{۱۲۴} شوکانی از بزرگان اهل سنت در قرن سیزدهم و صاحب ۱۱۴ اثر است. به گفته خود نویسنده در کتاب البدر الطالع، وی کتاب التوضیح را در اثبات تواتر احادیث حضرت مهدی و خروج دجال در عهد آن حضرت و نزول حضرت عیسی علیه السلام نوشته است.^{۱۲۵}

۶. القطر الشهیدی فی اوصاف المهدی، نوشته شهاب‌الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی (درگذشته ۱۳۰۸ قمری)؛ سید محمد بن محمد بن احمد حسینی بلبیسی بر این کتاب شرح نوشت و نامش را العطر الوردی فی شرح القطر الشهیدی نهاد.^{۱۲۶}

۷. مسئله مهدویت، نوشته اسماعیل حقی از میری (درگذشته ۱۳۳۰ قمری)؛ این رساله‌ای کلامی درباره اعتقاد به مهدویت است که به بیست حدیث استناد کرده و بعضی از آنها را نقد نموده است.^{۱۲۷} نویسنده اهل مناستر، مقیم استانبول، واعظ مسجد ایاصوفیا و از اعضای مجلس سنا بوده است.^{۱۲۸}

مسئله باب و متمدیان عصر قاجار و آثاری درباره آنان

به اعتقاد شیعه امامیه، در قرن سوم و آغاز قرن چهارم (۲۶۰ ت ۳۲۹ قمری) که دوره غیبت صغراست، چهار نفر باب و نائب حضرت حجة بن الحسن بوده‌اند که به نواب اربعه مشهورند.

مسئله مهدویت تنها به ایران و عراق یا منطقه و مرز ویژه‌ای اختصاص ندارد، بلکه هر جا که جریان فکری و فرهنگی اسلام و بویژه تشیع جاری است، مهدویت نیز از مهم‌ترین ارکان این اعتقاد به شمار می‌رود و حضور مؤثر و پرشماری دارد. اندیشه‌وران مسلمان بنا به اقتضای زمان و شرایط فرهنگی

- سیاسی حاکم بر دوران خویش، کوشیده‌اند باورهای مذهبی خویش را که از گذشتگان‌شان به ودیعت گرفته‌اند، به گونه صحیح و دور از تغییر، به نسل آینده برسانند.

نویسنده *اعیان الشیعة* این چهار نفر را که به باب امام نیز معروف هستند، دارای نیابت خاص می‌داند و جز این چهار تن، دیگر ابواب و سفرای امام را دارای سفارت و وکالت عامه می‌خواند.^{۱۳۹} به نام این افراد که از برجستگان شیعه و از ثقات آنان بوده‌اند، توقیعاتی از حضرت مهدی به وسیله سفیران چهارگانه صادر می‌شده است. برخی از شمار سفیرانی که وکالت عامه داشته‌اند، به شرح زیر است:

۱. ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی کوفی رازی، باب حضرت حجت در ری. نویسنده *جامع الرواة* در ارتباط با وی می‌گوید: «کان أحد الأبواب»؛^{۱۴۰}

۲. ابوعلی احمد بن اسحاق اشعری قمی از اصحاب حضرت جواد و امام هادی علیهما السلام و باب حضرت ولی عصر در قم. وی به خدمت حضرت حجت نیز رسیده است؛^{۱۴۱}

۳. ابواسحاق ابراهیم بن مهزیار اهوازی، باب امام و وکیل آن حضرت بوده است.^{۱۴۲}

ولی از همان آغاز غیبت، جماعتی نیز به دروغ، ادعای بابیت و سفارت کرده‌اند و توانسته‌اند با فریب اذهان عوام، پیروانی گرد آورند و به ترویج عقاید خود بپردازند. متمهدیانی در دوران حکومت قاجار پیدا شدند که ویژگی عمده آنان، حمایت استعمار از آنان بوده است. مشهورترین مدعیان بابیت و نیز مهدویت در ایران و عراق در دوره قاجار، سیدعلی محمد شیرازی (باب) و حسین علی نوری (بهاء) و بیرون از این منطقه غلام‌احمد قادیانی در هند و محمد احمد بن عبدالله سودانی هستند.^{۱۴۳}

با اشاره‌ای کوتاه به باورهای مدعیان مهدویت، به نوشته‌هایی در این باره اشاره می‌شود. سپس فهرست رذیه‌هایی که درباره آنها نوشته شده، در پی می‌آید. چون ظهور باب در ایران، از عقاید شیخیه سرچشمه می‌گیرد، نخست عقاید و نوشته‌های آنها یاد می‌شود:

الف) شیخیه

پیروان شیخ احمد احسایی را «شیخیه» گویند. بعدها فرقه‌ای از اینان به وجود آمد که به شیخیه کرمان معروف بودند، شیخیه اخباری‌گرایند و به رکن رابع عقیده دارند، بدین معنا که دین اسلام را دارای چهار رکن می‌دانند: توحید، نبوت، امامت و شیعه کامل

(رکن اربع)؛ زیرا می‌گویند کسی که به توحید معتقد است، در حقیقت به عدل خدا نیز اعتقاد دارد و کسی که به نبوت معتقد است، معاد را هم قبول دارد، ولی در زمان غیبت کبریا، مسلمانان باید پیشوایی داشته باشند. آنان پیشوا را شیعه کامل می‌دانند که چهارمین رکن پس از امامت است و برای همین، در هر عصری یکی از علمای خود را برای این کار برمی‌گزینند. آنان درباره معاد جسمانی عقاید ویژه‌ای دارند و می‌گویند که پس از مرگ، آن چه از آدمی باقی می‌ماند، جسم لطیفی است که آن را «هورقلیایی» می‌نامند و دیگر این که آنان دوازده امام را دارای صفات الهی می‌دانند و می‌گویند آنان مظهر خدایند.^{۱۳۴}

پس از احسایی، شاگردش سید کاظم رشتی (۱۲۱۲-۱۲۵۹ قمری) جانشین وی شد. سید کاظم در نزد شیخیه به «سیدنبیل» لقب داشته است. از شاگردان وی به حاج محمد کریم خان کرمانی و سید علی محمد شیرازی معروف به باب می‌توان اشاره کرد.^{۱۳۵} حاج محمد کریم خان کرمانی (۱۲۵۵-۱۲۸۸ قمری) بنیان‌گذار فرقه شیخیه کرمان، پس از سید کاظم رشتی به ریاست شیخیه در منطقه کرمان رسید. این فرقه را به دلیل انتسابشان به حاج کریم خان، «کریم‌خانیه» گویند. از کریم‌خانیه، بعدها انشعاب جدیدی به نام «باقریه» به وجود آمد که پیروان محمدباقر بهاری همدانی (متولد ۱۳۳۳ قمری) بوده‌اند. وی نخست نماینده کریم‌خان در همدان بود و سپس دعوای استقلال کرد.

شعبه دیگر شیخیه در آذربایجان به وجود آمد. این شعبه نیز چند فرقه داشته که عبارتند از:

۱. «ثقة الاسلامیه» پیروان حاج میرزا شفیع ثقة الاسلام تبریزی (درگذشته ۱۲۶۹ قمری)؛ پس از او پسرش میرزاموسی و پس از وی میرزا علی معروف به ثقة الاسلام دوم یا شهید که در سال ۱۳۳۰ قمری به جرم مشروطه‌خواهی به دست روس‌های تزاری به دار آویخته شد، به ریاست این فرقه رسیدند.

۲. «حجة الاسلامیه» که از میرزا محمد مامقانی (درگذشته ۱۲۶۹ قمری) تکفیرکننده سید علی محمد باب و محکوم‌کننده او به مرگ در شهر تبریز پیروی می‌کنند. وی از شاگردان سید کاظم رشتی بوده و «حجة الاسلام» لقب داشته است.^{۱۳۶}

۳. «احقاقیه» که می‌توان گفت تنها فرقه باقی مانده از شیخیه آذربایجان است و اکنون نیز هوادارانی در پیرامون حیره و کویت

دارند و ملاباقر اسکویی، آنان را به دلیل نوشتن کتاب *احقاق الحق*، «احقاقیه» نامیده است.

پس از آشنایی با فرقه‌های گوناگون شیخیه، نام نوشته‌های بزرگان این فرقه درباره مهدویت، ردّ فرقه‌های دیگر و نیز اعتقادات خود آنان می‌آید:

۱. شیخ احمد احسائی (درگذشته ۱۲۴۱ قمری)

۱. *الرجعة*؛ این کتاب به فرمان شاه محمدعلی میرزا نوشته شده است.^{۱۳۷}
۲. *عصمت و رجعت*؛ عنوان این کتاب در نامه میرزای نوری به میرحامدحسین آمده است. کتاب *العصمة* در سال ۱۳۹۰ قمری و کتاب *الرجعة* به سال ۱۴۱۴ قمری جداگانه چاپ شده است.^{۱۳۸}
۳. *شرح زیارت جامعه*؛ مرحوم علامه خوانساری به این کتاب در *روضات الجنات* اشاره کرده است.^{۱۳۹}

۲. سید کاظم رشتی (درگذشته ۱۲۵۹ قمری)

دلیل التحریز؛ سیدرشتی این کتاب را در پاسخ به پرسش‌های اعتقادی شیخیه نوشته است.^{۱۴۰}

۳. حاج محمد کریم خان کرمانی (درگذشته ۱۲۸۸ قمری)

۱. *تقویم العوج*؛ این کتاب در ردّ ایراداتی به شیخیه، نوشته شده است.^{۱۴۱}
۲. *رجوم الشیاطین*؛^{۱۴۲}
۳. *علم الیقین فی الرد علی البایة الملحدین*؛^{۱۴۳}
۴. *ازهاق الباطل*، در ردّ باب؛^{۱۴۴}
۵. *رسالة فی ردّ الباب المرتاب*؛^{۱۴۵}
۶. *ردّ باب خسران مآب*؛^{۱۴۶}
۷. *ابطاظ الباطل فی ابطال الباطل*، در ردّ باب؛^{۱۴۷}
۸. ترجمه حدیث *مفضل در علامات ظهور حضرت حجت*؛^{۱۴۸}
۹. *دروس*، در شرح *دعای افتتاح*؛^{۱۴۹}
۱۰. *رسالة فی شرح الدعاء الرجیة*.^{۱۵۰}

۴. شیخ محمدباقر بن محمدجعفر بهاری همدانی (درگذشته ۱۳۳۳ قمری)

۱. *ابهی الدرر فی تکلمة عقد الدرر فی اخبار المنتظر*؛^{۱۵۱}
۲. *العلائم لاهتداء الهوائم فی علامات ظهور المهدي*؛^{۱۵۲}
۳. *النور فی اخبار امام المستور*؛^{۱۵۳}
۴. *ذیل کتاب النور*؛^{۱۵۴}

به اعتقاد شیعه امامیه، در قرن سوم و آغاز قرن چهارم (۲۶۰ تا ۳۲۹ قمری) که دوره غیبت صغراست، چهار نفر باب و نائب حضرت حجة بن الحسن بوده‌اند که به نواب اربعه مشهورند.

۵. عقد الدرر فی امام المنتظر؛ ۱۵۵

۶. استحالة توقيت ظهور الحجة؛ ۱۵۶

۷. ايضاح المرام فی امر الامام؛ ۱۵۷

۸. بعث الاموات قبل ظهور الحجة؛ ۱۵۸

۹. مقارنات ظهور الحجة؛ ۱۵۹

۱۰. شرح علائم الظهور؛ ۱۶۰

۱۱. بسط النور؛ ۱۶۱

۱۲. الوجيزة فی غيبة الحجة؛ ۱۶۲

۱۳. جابلقا و جابلساء؛ ۱۶۳

۱۴. جواب منکر وجود صاحب الزمان؛ ۱۶۴

۱۵. الرد علی قصيدة البغدادية؛ ۱۶۵

۱۶. ذیل کتاب العلام لا هتداء الهوائيم؛ ۱۶۶

۱۷. الرد علی منکر وجود صاحب الزمان فی هذه الزمان؛ ۱۶۷

میرزا محمد علی نائینی (در گذشته ۱۳۳۳ قمری) کتابی با عنوان

ملال يك شبه در رد عقاید شیخیه نوشته است. ۱۶۸

ب) باب و بهائیت

سید علی محمد شیرازی در سال ۱۲۳۵ قمری در شیراز متولد

شد. در ۲۴ سالگی بر اثر تحول فکری و عقیدتی نخست خود را

مصلح مذهبی و منجی جامعه نامید و دعوی بابت و پس از آن

دعوی مهدویت کرد. پس از مدتی قدم فراتر نهاد و مدعی شد که

خداوند کتاب بیان را بر وی نازل کرده است. ۱۶۹

دعوی باب، افزون بر وجود دسیسه‌های خارجی، زمینه نیز

داشت؛ زیرا شیخ احمد احسایی (در گذشته ۱۲۴۱ قمری) استاد

سید کاظم رشتی (در گذشته ۱۲۵۹ قمری) در سخنانش پیوسته

می‌گفته که نشانه‌های ظهور حضرت مهدی آشکار شده است و

امام زمان به همین زودی ظهور خواهد کرد. پس از او سید کاظم

رشتی نیز همین سخنان را دنبال کرده است. شاگردان و مریدان

سید کاظم پس از او همواره در پی کسی بودند که صفات مهدویت

را داشته باشد. سید علی محمد، با داشتن قیافه‌ای محبوب، چهره

زیبا، حسن خلق و سلوک، برای چنین کاری زمینه داشت. از

این‌رو، چند تن از شاگردان سید کاظم به او روی آوردند و مقدمات

را برای مهدویت وی آماده کردند. ۱۷۰

باب، پس از نزاعی که بر سر جانشینی او در گرفت، وصی خود

میرزا حسین علی نوری (۱۲۳۳-۱۳۱۰ قمری) برادر کوچک‌تر و

نائینی خود میرزا یحیی (۱۲۴۶-۱۳۳۰ قمری) را که «صبح ازل»

لقب داده بود، به انواع دسیسه‌ها از میدان به در کرد و با این‌که

سید علی محمد، ظهور «من یظهره الله» را به آینده‌ای دور

سپرده بود، در ۱۲۸۰ قمری دعوی «من یظهره الله» کرد و خود

را «بهاء الله» نام داد. هم‌چنان که سید باب، شریعت خود را ناسخ

اسلام می‌دانست، او نیز تعالیم و احکام بیان را منسوخ دانست و در

آثار خود، احکام و تعالیم تازه‌ای آورد. ۱۷۱

کتاب‌هایی که سید علی محمد باب و حسین علی بهاء درباره

عقاید خود نوشته‌اند، چنین است:

۱. سید علی محمد باب

کتاب نقطه الکاف به نام همه نوشته‌های باب اشاره دارد.

نوشته‌های وی آمیزه‌ای از فارسی و عربی مصنوع و متکلف است و

عربی نویسی وی غالباً با موازین نحو و دستور زبان هم‌خوانی ندارد.

بنابراین، با توجه به عمر کوتاه وی که از سی‌نمی‌گذشت، شمار

نوشته‌هایش شگفت‌آور می‌نماید. خود او نیز فراوانی نوشته‌هایش

را از معجزه‌های خویش برمی‌شمرد.

چند کتاب وی به اشاره می‌آید:

۱. قیوم الاسماء، در تفسیر سوره یوسف که اولین تصنیف وی

به شمار می‌رود؛

۲. مجموعة الواح که خطاب به علما و سلاطین، نوشته شده

است؛

۳. بیان، مشهورترین اثر وی که آن را در برابر قرآن قرار داده

است؛

۴. صحیفه بین الحرمین که این کتاب را بین مکه و مدینه

نوشته است. ۱۷۲

۲. حسین علی بهاء

برجسته‌ترین کتاب‌های بهاء عبارتند از: ايقان، بدیع، مبین و

قدس. بهاء، کتاب ايقان را در ایام اقامت خود در عراق و پیش

از ادعای ظهور «من یظهره الله» نوشت. او در این هنگام، پیرو

علی محمد باب بود. کتاب بدیع را در ادرنه، پس از ادعای ظهور

نوشته. وی پس از آن که به عکا تبعید شد، در آن‌جا ادعاهای

گوناگونی کرد، از جمله این که خود را خدا نامید. او کتاب *مبین و اقدس* را نوشت. این دو کتاب، مقدس‌ترین کتاب‌های بهائیان به شمار می‌روند.^{۱۷۳}

ج) قادیانیه

میرزا غلام‌احمد قادیانی (۱۲۵۵-۱۳۲۶ قمری) در پنجاه سالگی در پی ادعای خواب‌نمایی و رؤیاهای دیگر، اعلام کرد که به او وحی می‌شود و خدا او را به رهبری برگزیده و در گرفتن بیعت از مردم مجاز است.^{۱۷۴}

وی ابتدا ادعای مسیح موعود و مهدی و سپس ادعای نبوت کرد و اعلام داشت که همان رهبر موعود هستی است که زرتشتیان، هندوان، مسیحیان و مسلمانان همه در انتظار اویند. غلام‌احمد، «جهاد بالسیف» را حرام می‌خواند^{۱۷۵} و می‌گفت: جهاد در زمان ما نباید به جنگ و شمشیر باشد، بلکه جهاد کوششی است که پیروان آن مذهب در گسترش آن عقیده با صلح و آرامش به جای می‌آورند.^{۱۷۶}

پس از وفات غلام‌احمد، پیروان او که خود را «احمدیه» نیز می‌خواندند، میرزا نورالدین را خلیفه اول نامیدند، ولی پس از مرگ وی (۱۹۱۴ میلادی) در این فرقه انشعاب پدید آمد. گروهی معتقد بودند که غلام‌احمد مبشر و مجدد بود، نه نبی یا مهدی و گروه دیگر که اکثر بودند، به ریاست میرزا بشیرالدین «پسر غلام‌احمد» بر عقیده نبوت و مهدویت و مسیحیت غلام‌احمد ماندند.^{۱۷۷}

غلام‌احمد در اثبات ادعاهای خود، کتاب‌های چندی نوشت که مهم‌ترین آنها چنین است:

۱. *قصائد احمدیه* (مسیح الموعود و المهدی الموعود)؛

۲. *مواهب الرحمن*؛

۳. *حمامة البشری الی اهل المکة و صلحاء ام القری*.

غلام‌احمد، هم‌چنین یک مجله ماهیانه به زبان انگلیسی از سال ۱۹۰۲ میلادی در قادیان منتشر کرد که ارگان رسمی قادیانی‌هاست.^{۱۷۸}

د) مهدی سودانی

محمداحمد بن عبدالله سودانی (۱۲۵۹-۱۳۰۲ قمری) در سال ۱۲۹۸ قمری خود را مهدی منتظر نامید و فقیهان سودان را برای یاری خویش فراخواند.^{۱۷۹} ظهور وی برخلاف دیگر متمه‌دیان هم‌دوره خویش هم‌چون باب و بهاء و قادیانی بود. اینان بر اثر تحریکات استعمار انگلیس و کمک و یاری آنها پدید آمدند، ولی حرکت مهدی سودانی ضد استعماری بود. سودانی پس از بازگشت از سفر مکه، ابتدا خود را باب امام و سپس مهدی موعود خواند. همه قبیله‌های «کردفان»، «دارفور»، «بحرالغزال» و «سودان شرقی» با او بیعت کردند. او با انگلیسی‌ها که سودان را تصرف کرده بودند، به جنگ پرداخت و خرطوم پایتخت سودان را فتح کرد.^{۱۸۰} وی رساله‌ای با مضمون *تطهیر البلاد من مفاسد الحکام* نوشت و

سید علی محمد شیرازی در سال ۱۲۳۵ قمری در شیراز متولد شد. در ۲۴ سالگی بر اثر تحول فکری و عقیدتی نخست خود را مصلح مذهبی و منجی جامعه نامید و دعوی بابیت و پس از آن دعوی مهدویت کرد. پس از مدتی قدم فراتر نهاد و مدعی شد که خداوند کتاب بیان را بر وی نازل کرده است. - میرزا غلام‌احمد قادیانی (۱۲۵۵-۱۳۲۶ قمری) در پنجاه سالگی در پی ادعای خواب‌نمایی و رؤیاهای دیگر، اعلام کرد که به او وحی می‌شود و خدا او را به رهبری برگزیده و در گرفتن بیعت از مردم مجاز است. وی ابتدا ادعای مسیح موعود و مهدی و سپس ادعای نبوت کرد و اعلام داشت که همان رهبر موعود هستی است که زرتشتیان، هندوان، مسیحیان و مسلمانان همه در انتظار اویند. غلام‌احمد، «جهاد بالسیف» را حرام می‌خواند و می‌گفت: جهاد در زمان ما نباید به جنگ و شمشیر باشد، بلکه جهاد کوششی است که پیروان آن مذهب در گسترش آن عقیده با صلح و آرامش به جای می‌آورند

آن را در مناطق تحت نفوذ خود منتشر کرد.^{۱۸۱} پس از وی، عبدالله بن محمد تعایشی (۱۲۶۶-۱۳۱۷ قمری) رهبری پیروان سودانی را که به «دراویش» معروف بودند، بر عهده گرفت.^{۱۸۲}

آثاری در ردّ فرقه‌های جدید در دوران قاجار

اندیشه‌وران مسلمان با استدلال، منطقی ستودنی و علمی وسیع، در برابر هجمه‌های پوشالی مخالفانشان، در پیش‌گیری از انحراف مسئله «مهدویت»، از مواضع و باورهای مذهبی پاس‌داری چشم‌گیری کرده‌اند و متناسب با شرایط زمان و مکان، به بسط و گسترش نظریه «مهدویت» پرداخته‌اند.

در دوره قاجار نیز علمای اسلام، بویژه تشیع، در پی گسترش انحراف‌زایی برخی افراد ناآگاه، با بیان و قلم خویش به تبیین مسئله مهدویت اصیل پرداختند و در بی‌اساس خواندن این‌گونه انحراف‌ها، ردیه‌هایی نوشتند. برخی از این پاسخ‌ها چنین است:

الف) نوشته‌هایی در ردّ بابیت و بهائیت

۱. کشف الحق، نوشته میرمحمد خاتون‌آبادی (۱۲۷۲ قمری)؛ مرحوم خاتون‌آبادی پس از مباحثه با علی محمد باب و ابطال ادعای وی این کتاب را در سال ۱۲۶۳ قمری تألیف کرد.^{۱۸۳}

۲- ۶ تخریب الباب، نوشته میرزا ابوالقاسم موسوی زنجانی (۱۲۹۲ قمری). این نویسنده کتاب‌های دیگری در ردّ باب نوشته که عبارتند از: ردّ الباب، سد الباب، قلع الباب و قمع الباب؛

نویسنده از شاگردان مرحوم شفتی و مرحوم کلباسی بوده و به دلیل تبحر کامل در معارف اسلامی و معاصر بودن با علی محمد باب، حوادث خونین زنجان را به چشم خود دیده و کتاب‌های یاد شده را در ردّ این گروه همراه نوشته است.^{۱۸۴}

۳- ۸۷ فتنه باب اعتضاد السلطنه، نوشته علی‌قلی میرزا بن فتح‌علی شاه (درگذشته ۱۲۹۸ قمری). این کتاب از آن‌رو اهمیت دارد که اعتضاد السلطنه معاصر باب بوده و حوادث یاد شده در کتاب را یا خود به چشم دیده و یا آن‌که از شاهدان عینی شنیده است.^{۱۸۵}

وی کتاب دیگری در این زمینه به نام مدعیان نبوت و مهدویت دارد. این کتاب، سرگذشت کسانی است که از آغاز تاریخ تا عصر حیات مؤلف ادعای نبوت و مهدویت کرده‌اند؛^{۱۸۶}

۹ و ۱۰. الردّ علی البابیة، نوشته محمدتقی بن حسین علی هروی اصفهانی (درگذشته ۱۲۹۹ قمری)^{۱۸۷} و تنبیه الغافلین که اثر دیگر او در ردّ بابیت و اخبار رسیده درباره حضرت مهدی به شمار می‌رود؛^{۱۸۸}

۱۱. الهام الحجة، نوشته سیدعلی مدرس‌ی یزدی (درگذشته ۱۳۱۶ قمری)؛ نویسنده در این کتاب، مقدمه‌ای گسترده در عقاید امامیه آورده و سپس به اثبات وجود حضرت بقیة‌الله و ردّ فرقه‌های گمراه پرداخته است. او در این کتاب، به تفصیل از پیشوای بابیه سخن می‌گوید. وی از تمثّل یافتن شیطان بر علی محمد شیرازی نیز در این کتاب بحث کرده است.^{۱۸۹}

۱۲. الأضواء المزیلة للشبهة الجلیلة، نوشته سید محمدهاشم بن میر شجاعت‌علی هندی (درگذشته ۱۳۲۳ قمری)؛ وی این کتاب را در ردّ بابیه و در پاسخ به شبهات شیخیه و کشفیه تألیف کرده است.^{۱۹۰}

۱۳. رد بابیه، نوشته حاج میرزا علی‌اکبر صدراالاسلام همدانی (درگذشته ۱۳۲۵ قمری)؛^{۱۹۱}

۱۴. مقامع النصوص علی مفارق اللصوص، نوشته شیخ محمدحسن خوسفی قائنی (درگذشته پیرامون ۱۳۲۵ قمری)؛ جلد اول این کتاب به احادیث حضرت مهدی و جلد دوم و سوم آن به ردّ باب و بهاء می‌پردازد.^{۱۹۲}

۱۵. ردّ سخیفه، نوشته سیدحسن یزدی، این کتاب در سال ۱۳۲۵ قمری چاپ شده است و درباره ردّ بهائیت سخن می‌گوید؛^{۱۹۳}

۱۶. الردّ علی البابیة، نوشته شیخ محمدتقی بن محمدباقر آقاجفی اصفهانی (درگذشته ۱۳۳۲ قمری)؛^{۱۹۴}

۱۷- ۱۹. باب الابواب فی تاریخ بدء ظهور الباب، نوشته میرزا محمد مهدی خان رئیس‌الحکماء معروف به زعیم‌الدوله تبریزی (درگذشته ۱۳۳۳ قمری). وی دو کتاب دیگر درباره باب و بهاء نوشته است که عبارتند از: تاریخ باب و بهاء^{۱۹۵} و مفتاح باب الابواب؛^{۱۹۶} زعیم‌الدوله کتاب باب الابواب را در اثبات قائمیت حضرت مهدی و ردّ بابیت نوشته که بسیار گسترده است. وی نخست تاریخچه اسلام، یهود، نصارا، مجوس، بودایی‌ها و برهمنی‌ها را نوشته و سپس گفته‌های آنان را درباره مصلح آسمانی می‌آورد. آن‌گاه تاریخچه مدعیان مهدویت را به تفصیل

بیان می‌کند. ولی در میان پنجاه تن از مدعیان مهدویت، تاریخچه علی محمد باب را کامل‌تر از همه یاد کرده است؛ زیرا نویسنده در کودکی او را دیده و با گروهی از پیروانش ارتباط داشته است. کتاب *مفتاح باب الابواب تلخیص همین کتاب*^{۱۹۷} و *تاریخ باب و بهاء* ترجمه آن است.^{۱۹۸}

۲۰ و ۲۱. *كشف الظلمة عن معتقدات البابية و ردّهم*، نوشته حاج حسین قلی خان داغستانی (درگذشته ۱۳۳۳ قمری). نویسنده ابتدا مسیحی بوده و سپس به اسلام گراییده است.^{۱۹۹} اثر دیگر وی در این زمینه *منهاج الطالبین* است؛^{۲۰۰}

۲۲. *السهم النافذة (فی ردّ البابية)*، نوشته حاج میرزا ابوالقاسم اردوبادی (درگذشته ۱۳۳۳ قمری)؛^{۲۰۱}

۲۳-۲۴. *صراط المستقیم*، نوشته میرزا علی محمد نائینی (درگذشته ۱۳۳۳ قمری). نویسنده، این کتاب را در ردّ بابیه و کتاب دیگری را با عنوان *هلال يك شبه* در ردّ شیخیه نوشته است؛^{۲۰۲}

۲۵. *احقاق الحق للقاظم بالحق*، میرزا محمدتقی تاجر همدانی (درگذشته ۱۳۴۰ قمری)؛^{۲۰۳} صاحب *الذریعة* که این کتاب را با عنوان *احقاق الحق صاحب الزمان* آورده، معتقد است که نویسنده این کتاب را در ردّ بابیه نوشته است.^{۲۰۴}

۲۶-۲۷. *رجوم الشیاطین فی ردّ الملاعین*، نوشته ملا حبیب‌الله بن علی مدد (محمد) بن رمضان ساوجی کاشانی (درگذشته ۱۳۴۰ قمری).^{۲۰۵} ملا حبیب‌الله کاشانی آثار بسیاری دارد که از آن جمله کتاب *رجعت* است؛^{۲۰۶}

۲۸. *اسرار العقائد*، نوشته میرزا ابوطالب بن سید محمدهاشم حسینی شیرازی (درگذشته ۱۳۴۵ قمری)؛ جلد اول کتاب درباره نبوت خاصه و جلد دوم آن درباره امامت و اثبات عقاید شیعه و ردّ فرقه بابیه است.^{۲۰۷}

۲۹. *عوام الناس*، نوشته میرزا علی‌اکبر مجتهد اردبیلی (درگذشته ۱۳۴۶ قمری). این کتاب به زبان ترکی و در ردّ فرقه‌های بابیه است.^{۲۰۸}

۳۰-۳۳. *ایقاظ النائین*، نوشته شیخ‌احمد بن محمدعلی بن محمدکاظم شاهرودی (درگذشته ۱۳۵۰ قمری). از نویسنده آثار دیگری در ردّ فرقه بابیه نوشته که عبارتند از: *تنبيه الغافلین فی رفع شبهات المبطلین، مرآة العارفين، مرآة الحق المبین*^{۲۰۹} و *راه‌نمای دین*؛^{۲۱۱}

۳۵. *مدعیان مهدویت از صدر اسلام تاکنون*، نوشته احمد سرروش (درگذشته ۱۳۵۰ قمری)؛ تاریخچه پیدایش باب و بهاء و سرگذشت دروغ‌پردازان و مدعیان مهدویت از منصور حلاج تا احمد کسروی در این کتاب بیان شده است.^{۲۱۲}

۳۶. *ردّ بابیه*، نوشته حاج شیخ عبدالله مامقانی (درگذشته ۱۳۵۱ قمری)؛ این کتاب به پیوست ترجمه *سيف البتار فی دفع شبهات الکفار* از نویسنده به چاپ رسیده است. شیخ عبدالله مامقانی در پرتو تربیت خاص پدر بزرگ‌وارش در آغاز جوانی به مقامات والایی رسید و آثار ارزش‌مند فراوانی از خود به یادگار گذاشت.^{۲۱۳}

اندیشه‌وران مسلمان
با استدلال، منطقی
ستودنی و علمی
وسیع، در برابر
هجمه‌های پوشالی
مخالفانشان، در
پیش‌گیری از انحراف
مسئله «مهدویت»، از
مواضع و باورهای
مذهبی پاس‌داری
چشم‌گیری کرده‌اند
و متناسب با شرایط
زمان و مکان، به بسط
و گسترش نظریه
«مهدویت» پرداخته‌اند.

۳۷. *الرّد علی البابیة*، نوشته میرزا ابراهیم بن ابی الفتح زنجانی (۱۳۵۱ قمری)؛ مرحوم شیخ محمد علی اردوبادی در کتاب *الحدیقه المبهجة* از آن نام برده است.^{۲۱۴}

۳۸. *نصایح الهدی لمن کان مسلماً فصار بابیاً*، نوشته شیخ محمد جواد بلاغی (در گذشته ۱۳۵۲ قمری)؛ مؤلف کتب دیگری در ردّ وهابیت و فرقه قادیانیه نوشته است.^{۲۱۶}

۳۹. *الانتباهیه فی ردّ البابیة و البهائیة*، نوشته میرزا شفیق بن محمد سمیع میثمی عراقی (در گذشته ۱۳۵۴ قمری). نویسنده این کتاب را مقدمه‌ای بر کتاب *رجوم الشیاطین* خود نوشته و به سال ۱۳۳۸ قمری نوشتن آن را به پایان رسانده است. صاحب *الذریعة* می‌گوید: من این کتاب را نزد مؤلف دیده‌ام.^{۲۱۷}

۴۰. *بیان الحق*، نوشته شیخ الاسلام میرزا احمد اصطهباناتی (در گذشته ۱۳۵۴ قمری). فصل اول کتاب، قصیده میمیه محی‌الدین بن عربی را شرح می‌دهد. فصل دوم نیز به دروغ‌پردازی‌های علی محمد باب پاسخ می‌گوید و هشتاد حدیث در اثبات وجود مقدس بقیة الله می‌آورد و به شرح آنان می‌پردازد.^{۲۱۸}

۴۱. *ردّ بر ایقان*، نوشته عبدالسلام آخوندزاده؛ شیخ الاسلام قفقاز (در ردّ کتاب *ایقان* نوشته حسین علی بهاء) این کتاب را نوشته است.^{۲۱۹}

۴۲. *صواعق البرهان*، نوشته حاج زین العابدین خان کرمانی؛ این کتاب در پاسخ به شبهات بهائیان است و حیدر علی اصفهانی مؤلف *دلائل العرفان و مبلغ بهائیت* را نقد و بررسی کرده است.^{۲۲۰} این دو کتاب نیز در دوره یاد شده نوشته شده‌اند.

ب) آثاری در ردّ فرقه قادیانیه و...

۱. *الشهاب*، نوشته شیخ محمد جواد بن شیخ حسن بلاغی (در گذشته ۱۳۵۲ قمری)؛ نویسنده، این کتاب را در ردّ کتاب *حیة المسیح* یکی از پیروان غلام احمد قادیانی نوشته است.^{۲۲۱}

۲. *المصابیح*؛ این کتاب نیز نوشته شیخ محمد جواد بلاغی در ردّ فرقه قادیانیه است.^{۲۲۲}

۳. *مسیح موعود*، نوشته سید علی بن سید ابوالقاسم رضوی حائری لاهوری (در گذشته ۱۳۶۰ قمری)؛ حائری این کتاب را در اثبات حیات مسیح علیه السلام و ردّ غلام احمد قادیانی به زبان اردو نوشته است.^{۲۲۳} وی هم‌چنین کتاب *مهدی موعود* را در احوال حضرت

حجت و اثبات غیبت آن حضرت و ردّ فرقه قادیانیه پدید آورده است.^{۲۲۴} *غایة المقصود فی المهدی موعود* دیگر اثر سید علی حائری است. وی این کتاب را در چهار جلد به شرح زیر نوشته است:

جلد اول: بحث روایتی پیرامون ضرورت وجود مقدس امام زمان؛

جلد دوم: خروج دجال و دیگر علایم ظهور؛

جلد سوم: تولد، غیبت و ظهور حضرت حجت؛

جلد چهارم: اثبات قانئیت و ردّ بر قادیانی.^{۲۲۵}

۴. *مهدی از آغاز تا قرن سیزدهم*، نوشته دار مستتر (پایان تألیف ۱۳۰۲ قمری)، ترجمه محسن جهان‌سوز؛ این کتاب به نخستین متمه‌دیان تا مهدی سودانی اشاره کرده است.^{۲۲۶}

۵. *الهدایة المهدویة*، نوشته شیخ ابوالرجاء محمد هندی (در گذشته ۱۲۹۰ قمری)؛ نویسنده، مقیم حیدرآباد بوده و این کتاب را در ردّ سید محمد جونپوری (مدعی مهدویت) نوشته است.^{۲۲۷}

شرح‌هایی بر دعاهای ویژه حضرت حجت بن الحسن علیه السلام در عصر قاجار

علمای دوره قاجار، بر ادعیه‌های گوناگون شرح‌هایی نوشته‌اند که اهمیت این مسئله را برای آنان می‌نماید. آنان برای نشر و ترویج شعایر دینی و عقیدتی و براساس احساس وظیفه در برابر معارف اهل بیت علیهم السلام، به شرح دعاهای ویژه آن حضرت همت گماشته‌اند. با وجود اهمیت بسیار مسئله مهدویت در آن دوران، شرح دعاهای ویژه حضرت مهدی علیه السلام نیز چشم‌گیر بوده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) شرح دعای ندبه

۱. شرح *دعای ندبه* از مدرس یزدی (در گذشته ۱۱۵۴ قمری)؛^{۲۲۸}

۲. شرح *دعای ندبه* از مولی حسین تربتی سبزواری (در گذشته ۱۳۰۰ قمری)؛^{۲۲۹}

۳. *عقد الجمان لندبه صاحب الزمان علیه السلام*، نوشته میرزا عبدالرحیم بن نصرالله کلیری تبریزی (در گذشته ۱۳۳۴ قمری)؛ این شرح از شرح جمله «قتله أشقی الأشیاء» به پس نپرداخته است.^{۲۳۰}

۴. وسیلة القرية فی شرح دعاء الندبة، نوشته علی بن علی رضا خوئی (در گذشته ۱۳۵۰ قمری).^{۳۳۱}

ب) شرح دعای عهد

شرح دعای عهد از میرزا محمد بن محمد حسن هرنندی (نوشته شده در ۱۲۸۷ قمری). دعای عهد بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام در عصر غیبت خوانده می شود. ایشان هم چنین فرموده است: «هر کس این دعا را چهل صبح بخواند از یاوران حضرت بقیة الله علیه السلام خواهد بود.»^{۳۳۲}

ج) شرح دعای افتتاح

شرح دعای افتتاح از شهاب الدین محمد بن موسی عراقی بزشلویی (در گذشته ۱۳۱۳ قمری). نسخه ای از این کتاب، در کتابخانه مسجد اعظم به شماره ۲۸۸۲ موجود است.^{۳۳۳}

د) شرح دعای وارث

جنة الحوادث، نوشته حبیب الله کاشانی (در گذشته ۱۳۴۰ قمری).^{۳۳۴}

هـ) شرح دعا و زیارت رجبیه

۱. شرح دعای رجبیه از شیخ مهدی قزوینی (نوشته شده در ۱۱۲۳ قمری)؛ این کتاب، سند، متن، ترجمه زیر نویس دعا و سپس شرح هر جمله از آن را با بهره گیری از قرآن و اخبار و ادعیه و زیارات آورده است.^{۳۳۵}

۲. سنابرق فی شرح البارق من الشرق، نوشته سید جعفر بن ابی اسحاق علوی دارابی بروجردی کشفی (در گذشته ۱۲۶۷ قمری)؛ این کتاب، شرح گسترده دعای رجبیه است که

نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی یافت می شود.^{۳۳۶}
۳. شرح زیارت رجبیه از درویش علی بن حسین بغدادی حائری (در گذشته ۱۲۷۷ قمری)؛^{۳۳۷}

۴. شرح دعای رجب از سید هاشم بن سید احمد موسوی احسائی (در گذشته ۱۳۰۹ قمری)؛^{۳۳۸}

۵. شرح زیارت رجبیه از احمد یزدی (در گذشته ۱۳۱۰ قمری)؛ این شرح بسیار گسترده در هشتاد بخش با نام هشتاد مجلس تنظیم شده و به چاپ رسیده است.^{۳۳۹}

۶. شرح زیارت رجبیه، شیخ محمد باقر بیرجندی (در گذشته ۱۳۵۲ قمری)؛ کتاب بغیة الطالب فی من رأی الامام الغائب علیه السلام از این نویسنده است.^{۳۴۰}

و) دعای «اللهم یا ذالمنن السابعة...»

دعاء من صاحب الزمان علیه السلام، نوشته عبدالرسول فیروز کوهی (در گذشته ۱۳۳۲ قمری)؛

علمای دوره قاجار، بر ادعیه های گوناگون شرح هایی نوشته اند که اهمیت این مسئله را برای آنان می نماید. آنان برای نشر و ترویج شعایر دینی و عقیدتی و براساس احساس و وظیفه در برابر معارف اهل بیت علیهم السلام، به شرح دعاها و ویژه آن حضرت همت گماشته اند. با وجود اهمیت بسیار مسئله مهدویت در آن دوران، شرح دعاها و ویژه حضرت مهدی علیه السلام نیز چشم گیر بوده

این کتاب به متن و شرح دعای «اللهم یا ذالمنن السابغة...» می‌پردازد. بنابه نقل سید بن طاووس در کتاب *اقبال* صفحه ۶۴۵ جمعی از نیک‌بختان، این دعا را در مسجد سهله از زبان حضرت مهدی علیه السلام شنیده‌اند.^{۲۴۱}

نتیجه

عالمان مسلمان بویژه اندیشه‌وران شیعی به مسئله مهدویت در دوران قاجار اهمیت ویژه می‌داده‌اند. عالمان وفادار و آگاه مسلمان در رویارویی با توطئه بیگانگان و استعمارگران که برای رسیدن به اهداف شوم خویش در پی ایجاد شکاف و چنددستگی در میان مسلمانان و نیز منحرف کردن باور آنان از مسیر اصلی خویش بوده‌اند، با آفرینش آثاری چند، از انحراف در امت اسلامی جلوگیری کرده‌اند. هم‌چنین کوشیده‌اند که راه را بر دین‌زدایی و تغییر و دگرگونی در آن ببندند.

مهدویت از مسائل مهمی به شمار می‌رود که نویسندگان مسلمان در این دوره به آن پرداخته‌اند. با توجه به شمار آثار نوشته شده در این دوره، که بی‌شک بیش از آثار یاد شده است، جای‌گاه و اهمیت این موضوع را در دوران قاجاریه به وضوح می‌توان دید. با بررسی کوتاه در کتاب‌های نوشته شده در این دوره، به موارد مهمی می‌توان اشاره کرد:

الف) دلایل توجه به آثار مکتوب در این دوره، از این شمار است:

۱. وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت عالمان در برابر مسئله مهمی چون مهدویت؛
 ۲. هجمه بیگانگان بر معتقدات اصیل اسلامی و خدشه‌دار کردن آنها؛
 ۳. ظهور مدعیان مهدویت و به انحراف کشاندن مهدویت اصیل و راستین.
- این مسئله تنها در ایران رایج نبوده است، بلکه در مناطق دیگری چون هند و سودان نیز متمهدیانی بوده‌اند که هر کدام انگیزه و اهداف ویژه‌ای داشته‌اند.

ب) نکته دیگر، آثار علمای اهل سنت درباره مهدویت است که احساس وظیفه آنان در برابر چنین مسئله مهمی را نشان می‌دهد. آنان بر اساس تعالیم اسلام و روایات رسیده از حضرت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدویت، برای حفظ این مسئله در همه دوره‌ها بویژه دوره قاجار، آثاری پدید آورده‌اند که همگی اصالت مهدویت را می‌نمایند. البته آنان در آثارشان دیدگاه‌های خود را پی می‌گیرند.

ج) شرح دعا‌های ویژه ائمه اطهار علیهم السلام بویژه دعا‌های ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام در دوران قاجار نیز همت بالای بزرگان دینی در حفظ و گسترش مفاهیم والای اسلامی را نشان می‌دهد.

د) ردیه‌نویسی بر فرقه‌های گمراه و متمهدیان دروغین بنابه ظهور عده‌ای چند با عنوان «مهدی موعود» در دوران قاجار چشم‌گیر بوده است. اندیشه‌وران و علمای تشیع برای بسط و گسترش مسئله مهدویت و زدودن زنگار متمهدیان دروغین از چهره مهدویت ناب، بیش از پیش وارد عرصه شدند و با تمام توان خود کوشیدند تا چهره واقعی و اهداف پلید این مدعیان دروغین را بشناسانند. نتیجه این کارها، خلق آثار بی‌شماری درباره فرقه‌های گمراه و مدعیان دروغین مهدویت بوده است.

ه) گفتنی است فتح‌علی شاه قاجار درباره مهدویت کتابی نوشته که در نوع خود ویژگی دارد. برخی شاهان گذشته هم به نوشتن یا سرودن دیوان پرداخته‌اند. *دیوان خطایی* شاه اسماعیل یا *طبقات الشعراء* ابن معتز عباسی از این شمار است، ولی اثر شاه قاجار در محتوا و موضوع توجه را جلب می‌نماید. مهدویت در دوره او از مباحث جدی و محافل علمی بوده که شاه قاجار را بر آن داشته تا کتابی درباره مهدویت بنویسد.

و) مسئله دیدار با ساحت مقدس حضرت حجت علیه السلام از مواردی است که آثار این دوره بدان می‌پردازند. عالمان و نویسندگان شیعی، با گردآوری بی‌شماری از ره‌یافتگان خوش‌بخت به پیش‌گاه بقیة‌الله اعظم علیه السلام کوشیده‌اند به شبهات درباره آن حضرت پاسخ گویند و پایه‌های عقیدتی مردم را در این زمینه استوارتر سازند.

ز) نوشته‌های این دوره به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و... است که گستره جغرافیایی آن مناطق را می‌نماید. اولویت دادن به مسئله مهدویت که رکن اصلی اعتقادات مسلمانان است، در مناطق عرب‌نشین غرب ایران و مناطق مسلمان‌نشین شرق ایران و نیز مناطق فارسی‌زبان، جای‌گاه والای این مسئله را نشان می‌دهد.

ح) بحث درباره مهدویت، به آثار اندیشه‌وران مذهبی و علمای دینی پایان نمی‌یابد، بلکه شاعران و شارحان نیز بنابه توان و

وظیفه خود برای پاس‌بانی این موضوع، با استفاده از توان‌مندی و هنر خویش در سرودن یا نقد اشعار شاعران پیشین، به پیش‌برد شناخت مهدویت در جامعه کمک کرده‌اند. درباره نقد و ردّ اشعار شاعران و نویسندگان پیشین، دو مورد در پی می‌آید:

۱. ردّ بر قصیده بغدادیه

قصیده‌ای نزدیک به صد سال پیش، در ۲۵ بیت از بغداد به نجف اشرف رسید که سراینده‌اش شناخته نشده است. شاعر در این قصیده از اختلاف‌های میان مذاهب در زمینه ولادت حضرت بقیة‌الله علیه‌السلام سخن گفته است. هم‌چنین وی از امکان ولادت، غیبت و طول عمر آن حضرت اظهار شگفتی کرده است. از این‌رو، باورمندان به زنده ماندن حضرت پس از این زمان دراز را مسخره کرده است که گروهی از عالمان بزرگ به نثر و نظم به آن پاسخ گفته‌اند و از حریم حضرت حجت علیه‌السلام دفاع کرده‌اند.^{۳۳۲} عالمان عصر قاجار نیز بنابه هم‌دوره بودن با این واقعه، برای اثبات وجود مبارک حضرت حجت علیه‌السلام و ردّ یابوهراسرای‌های صاحب قصیده، آثاری را با عنوان *ردیه بر قصیده بغدادیه* نوشته‌اند که از آن جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف) *الردّ علی القصیده البغدادیه*، نوشته سید علی محمود امین عاملی (در گذشته ۱۳۲۸ قمری)؛^{۳۳۳}

ب) *الردّ علی القصیده البغدادیه*، نوشته شیخ عبدالهادی بن جواد بغدادی همدانی (در گذشته ۱۳۳۳ قمری)؛^{۳۳۴}

ج) *الردّ علی القصیده البغدادیه*، نوشته شیخ محمدباقر بهاری همدانی (در گذشته ۱۳۳۳ قمری)؛^{۳۳۵}

د) *الردّ علی القصیده البغدادیه*، نوشته سیدرضا بن سیدمحمد هندی (در گذشته ۱۳۶۲ قمری)؛^{۳۳۶}

ه) *کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار* علیه‌السلام نوشته میرزا حسین طبرسی نوری (در گذشته ۱۳۲۰ قمری)؛^{۳۳۷}

چنان‌که پیش‌تر نیز گذشت، شاید محمود بن عبدالله شکری آلوسی سراینده این قصیده باشد که شیخ‌الشریعه اصفهانی در پاسخ به قصیده او کتابی با عنوان *الناظرات مع محمود شکری آلوسی* نوشته است.^{۳۳۸} هم‌چنین میرزا محمد بن عبدالوهاب همدانی کاظمی (در گذشته ۱۳۰۳ قمری) کتاب *الاسنه* را نوشته است که مناظره‌های شیخ‌الشریعه با محمود شکری آلوسی را دربر دارد.^{۳۳۹}

۲. شهاب‌الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی (۷۳۳-۸۵۳ قمری)

او از عالمان بزرگ حدیث و فقه شافعی و فردی مورخ و شاعر بوده است. ابن حجر در قصیده‌ای اعتقاد به غیبت امام زمان علیه‌السلام را به باد خنده گرفته و آن را محال خوانده است.

عالمان مسلمان بویژه اندیشه‌وران شیعی به مسئله مهدویت در دوران قاجار اهمیت ویژه می‌داده‌اند. عالمان وفادار و آگاه مسلمان در رویارویی با توطئه بیکانگان و استعمارگران که برای رسیدن به اهداف شوم خویش در پی ایجاد شکاف و چنددستگی در میان مسلمانان و نیز منحرف کردن باور آنان از مسیر اصلی خویش بوده‌اند، با آفرینش آثاری چند، از انحراف در امت اسلامی جلوگیری کرده‌اند. هم‌چنین کوشیده‌اند که راه را بر دین‌زدایی و تغییر و دگرگونی در آن ببندند.

برخی عالمان در پاسخ به این قصیده ردیه‌هایی نوشته‌اند که از علمای عصر قاجار به افراد زیر می‌توان اشاره کرد:
 الف) سیدجعفر دارابی (در گذشته ۱۲۶۸ قمری) سخنان بیهوده ابن حجر را به نظم با عنوان *الرد علی ابن حجر عسقلانی* پاسخ داده است.^{۲۵۰}

ب) سیدمهدی بن مرتضی طباطبایی معروف به سیدبحرالعلوم (در گذشته ۱۲۱۲ قمری) در کتابی با نام *الرد علی ابن حجر عسقلانی* قصیده وی را پاسخ داده است. نواده نویسنده در کتاب *المواهی السنیه*، از این کتاب نام برده است.^{۲۵۱}

- ۱ .. سرپرسی سایکس، *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمدتقی فخر زاعی گیلانی، ج ۲، ص ۴۳۵، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر قمی، ۱۳۲۵ شمسی.
- ۲ .. محمدتقی لسان‌الملک سپهر، *نسخ التواریخ سلاطین قاجار*، ج ۱، ص ۴۳، انتشارات کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۵۳ شمسی.
- ۳ .. سیدجلال‌الدین مدنی، *تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران*، ج ۱، ص ۴۳، چاپ اول: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹ شمسی.
- ۴ .. نجفی موسوی، *مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران*، ص ۵۴ و ۷۲، چاپ دوم: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۷۸ شمسی.
- ۵ .. همان، ص ۵۶.
- ۶ .. نک: مدرسی چهاردهی، *تسبیح گری و بابی گری*؛ محمدجواد مشکور، *فرهنگ فرق اسلامی*.
- ۷ .. نک: *مقدمه تحلیلی تحولات سیاسی ایران*.
- ۸ .. رسول جعفریان، *مقالات تاریخی*، دفتر هشتم، ص ۳۱۸، چاپ اول: انتشارات دلیل، ۱۳۷۹ شمسی.
- ۹ .. همان، ص ۳۱۷.
- ۱۰ .. آقایزرگ نهرانی، *التریفة الی تصانیف الشیعه*، ج ۱۰، ص ۱۸، چاپ دوم: انتشارات دارالاضواء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
- ۱۱ .. علی اکبر مهدی‌پور، *کتاب‌نامه حضرت مهدی عجلت*، ج ۲، ص ۴۴۷، چاپ اول: انتشارات الهادی، ۱۳۷۵ قمری.

- ۱۲ .. النبرية، ج ۱۵، ص ۳۱۱.
- ۱۳ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۶۱.
- ۱۴ .. النبرية، ج ۴، ص ۲۶۰.
- ۱۵ .. شیخ محمد حرزالدین، معارف الرجال فی تراجم العلماء والادباء، ج ۲، ص ۱۹۶، چاپ اول: انتشارات مکتبه آیةالله مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۵ قمری.
- ۱۶ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹۵.
- ۱۷ .. همان، ج ۱، ص ۳۹۹.
- ۱۸ .. النبرية، ج ۱۴، ص ۲۵۰.
- ۱۹ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۰.
- ۲۰ .. النبرية، ج ۸، ص ۲۶۴.
- ۲۱ .. همان، ج ۵، ص ۲۰۰.
- ۲۲ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۹۷.
- ۲۳ .. همان، ج ۲، ص ۹۷۶.
- ۲۴ .. همان، ج ۱، ص ۱۶۰.
- ۲۵ .. همان، ص ۲۱۸.
- ۲۶ .. النبرية، ج ۲۰، ص ۱۰۹.
- ۲۷ .. همان، ج ۲۴، ص ۲۳۴.
- ۲۸ .. همان، ج ۱۶، ص ۸۳.
- ۲۹ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۳۸.
- ۳۰ .. النبرية، ج ۱، ص ۹۴.
- ۳۱ .. همان، ج ۵، ص ۲۷۲-۲۷۱.
- ۳۲ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۸۱.
- ۳۳ .. همان، ص ۲۹۵.
- ۳۴ .. علامه محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۸۲، چاپ سوم: نشر کتاب فروشی خیام، ۱۳۶۹ شمسی.
- ۳۵ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۵۱.
- ۳۶ .. النبرية، ج ۳، ص ۶۵.
- ۳۷ .. همان، ج ۱۵، ص ۲۶۰.
- ۳۸ .. علی فاضل قائینی نجفی، معجم المؤلفی الشیعه، ص ۲۲۹، چاپ اول: منشورات مطبعة وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۵ قمری.
- ۳۹ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۲.
- ۴۰ .. معجم مؤلفی الشیعه، ص ۴۶۰.
- ۴۱ .. النبرية، ج ۱۵، ص ۱۲۲ و ۲۷۹.
- ۴۲ .. همان، ج ۱۶، ص ۸۲.
- ۴۳ .. سیدمجید پورطباطبایی، در جستجوی قائم علیه السلام، ص ۷۲، چاپ اول: انتشارات آستان مقدس صاحب الزمان، قم ۱۳۷۰ شمسی.
- ۴۴ .. محمدحسین حسینی جلالی، فهرس التراث، ج ۲، ص ۲۳۶، چاپ اول: انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۲ قمری.
- ۴۵ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹۴.
- ۴۶ .. همان، ج ۲، ص ۶۰۱-۶۰۲.
- ۴۷ .. همان، ج ۱، ص ۳۹۳.
- ۴۸ .. معجم مؤلفی الشیعه، ص ۴۲۴.
- ۴۹ .. آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۹، انتشارات المطبعة العلمية، نجف ۱۳۷۳ قمری.
- ۵۰ .. النبرية، ج ۴، ص ۴۰۵-۴۰۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵۱ .. ریحانة الادب، ج ۴، ص ۱۹۳.

۵۲ .. همان، ج ۶، ص ۲۶۴.

۵۳ .. الذریعة، ج ۲، ص ۹۸.

۵۴ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۳۲.

۵۵ .. کتابنامه امام مهدی علیه السلام (قطع جیبی)، ص ۵۸، ردیف ۹۱، چاپ دوم: تهران ۱۳۹۸ قمری. (مؤلف و یا مؤلفان این کتاب در روی آن درج نشده است)

۵۶ .. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت اول، ص ۱۹۴.

۵۷ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۴۶.

۵۸ .. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۵۳.

۵۹ .. الذریعة، ج ۲۴، ص ۲۵۳.

۶۰ .. همان، ج ۲، ص ۲۸۹.

۶۱ .. همان، ج ۲۰، ص ۱۴۸.

۶۲ .. همان، ج ۲، ص ۲۶۷.

۶۳ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۹۲.

۶۴ .. در جستجوی قائم علیه السلام، ص ۶۳.

۶۵ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۶۱۸.

۶۶ .. همان، ج ۱، ص ۲۱۵.

۶۷ .. معجم مؤلفی الشيعة، ص ۴۵۸.

۶۸ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۲۳.

۶۹ .. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت اول، ص ۳۹۴.

۷۰ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۶۲۰.

۷۱ .. همان، ج ۱، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۷۲ .. سید محسن الامین، اعیان الشيعة، ج ۸، ص ۳۹۲، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۰۳ قمری.

۷۳ .. الذریعة، ج ۲۲، ص ۲۸۳.

۷۴ .. دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ج ۲، ص ۱۸۲.

۷۵ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۷۲.

۷۶ .. اعیان الشيعة، ج ۸، ص ۳۹۲.

۷۷ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۶۳.

۷۸ .. همان، ص ۳۹۴.

۷۹ .. همان، ص ۳۳۸ و ۳۳۹.

۸۰ .. همان، ص ۱۷۲.

۸۱ .. الذریعة، ج ۲۶، ص ۸۱.

۸۲ .. همان، ج ۱۶، ص ۸۷.

۸۳ .. در جستجوی قائم علیه السلام، ص ۶۲.

۸۴ .. الذریعة، ج ۸، ص ۴۲.

۸۵ .. معجم مؤلفی الشيعة، ص ۲۳۳.

۸۶ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۸۲.

۸۷ .. الذریعة، ج ۱۴، ص ۲۳۳.

۸۸ .. همان، ج ۱۷، ص ۲۳۷، همان، ج ۱۵، ص ۲۵.

۸۹ .. معجم مؤلفی الشيعة، ص ۳۱۸.

۹۰ .. فهرس التراث، ج ۲، ص ۳۰۸.

۹۱ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۸، ۳۳۷، ۳۶۷، همان، ج ۲، ص ۶۰۶.

۷۶۷، ۷۸۹.

۹۲ .. معجم مؤلفی الشيعة، ص ۳۹۱.

۹۳ .. همان.

۹۴ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶۶.

۹۵ .. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت اول، ص ۱۹.

۹۶ .. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۹۷ .. الذریعة، ج ۳، ص ۳۳۴.

۹۸ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۴.

۹۹ .. همان، ج ۱، ص ۴۴ و ج ۲، ص ۵۷۲.

۱۰۰ .. الذریعة، ج ۹، ص ۱۱۸۶.

۱۰۱ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۷۹۱.

۱۰۲ .. الذریعة، ج ۱۶، ص ۷۵.

۱۰۳ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۷۶۷.

۱۰۴ .. اعیان الشيعة، ج ۷، ص ۳۹۵.

۱۰۵ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۷۶۷.

۱۰۶ .. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت سوم، ص ۱۰۱۱.

۱۰۷ .. الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۲۶.

۱۰۸ .. همان، ج ۱، ص ۱۱۵.

۱۰۹ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۳.

۱۱۰ .. همان، ص ۲۷۶.

۱۱۱ .. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت ۱۴، ص ۱۲۷۳.

۱۱۲ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱۱۳ .. معجم مؤلفی الشيعة، ص ۴۴۸.

۱۱۴ .. همان، ج ۲، ص ۵۲۵.

۱۱۵ .. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۴۳۲.

۱۱۶ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۴.

۱۱۷ .. همان، ج ۲، ص ۴۳۲.

۱۱۸ .. همان، ص ۵۱۰.

۱۱۹ .. عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۱۹۵، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۱۲۰ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۶۰.

۱۲۱ .. اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، ج ۲، ص ۴۵۰، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۱۲۲ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۹۹.

۱۲۳ .. خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۱۷، چاپ دهم: انتشارات دارالعلم للملایین، بیروت ۱۹۹۲ میلادی.

۱۲۴ .. اسماعیل پاشا بغدادی، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۳۹، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۱۲۵ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۷.

۱۲۶ .. ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۲۳۴.

۱۲۷ .. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۴.

۱۲۸ .. هدیه العارفين، ج ۱، ص ۲۲۲.

۱۲۹ .. اعیان الشيعة، ج ۲، ص ۴۸.

۱۳۰. محمد بن علی اردبیلی، جامع الرواة، ج ۲، ص ۸۳، انتشارات مکتبه المحمدی.
۱۳۱. همان، ج ۱، ص ۴۱.
۱۳۲. گروه مؤلفان، دایرةالمعارف تشیع، ج ۳، ص ۲، چاپ اول: انتشارات مؤسسه دائرةالمعارف تشیع، با هم کاری شرکت نشر یادآوران، ۱۳۷۱ شمسی.
۱۳۳. همان، ص ۴.
۱۳۴. سیدمصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۳، ص ۱۳۶۲، چاپ اول: انتشارات اسماعیلیان، قم ۱۳۶۹ شمسی.
۱۳۵. محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۶۶، چاپ دوم: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ شمسی.
۱۳۶. همان، ص ۲۶۷-۲۶۹.
۱۳۷. کتاب‌نامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۷۴.
۱۳۸. همان، ج ۲، ص ۵۱۲.
۱۳۹. علامه میرزا محمدباقر موسوی خوانساری اصفهانی، روضات الجنات، ج ۱، ص ۸۹، انتشارات المطبعة الحیدریه، تهران ۱۳۹۰ قمری.
۱۴۰. الاعلام، ج ۵، ص ۲۱۵.
۱۴۱. ریحانة الادب، ج ۵، ص ۵۲.
۱۴۲. معجم المؤلفین، ج ۱۱، ص ۱۶۲.
۱۴۳. کتاب‌نامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۷۹.
۱۴۴. همان، ص ۱۴۰.
۱۴۵. همان، ص ۲۳۴.
۱۴۶. همان، ص ۳۴۲.
۱۴۷. همان، ص ۳۸۰.
۱۴۸. همان، ص ۴۰۱.
۱۴۹. همان، ص ۴۰۳.
۱۵۰. همان.
۱۵۱. اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۵۳۸.
۱۵۲. همان.
۱۵۳. همان.
۱۵۴. همان.
۱۵۵. طبقات اعلام الشیعة، ج ۱۱، قسمت اول، ص ۲۰۱-۲۰۲.
۱۵۶. همان.
۱۵۷. همان.
۱۵۸. همان.
۱۵۹. همان.
۱۶۰. همان.
۱۶۱. همان.
۱۶۲. همان.
۱۶۳. همان.
۱۶۴. کتاب‌نامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۷.
۱۶۵. همان، ص ۳۶۵.
۱۶۶. همان، ص ۳۸۷.
۱۶۷. همان، ص ۳۹۰.
۱۶۸. همان، ج ۲، ص ۴۸۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱۶۹. معارف و معاریف، ج ۱، ص ۳۲۰.
۱۷۰. دائرةالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۵.
۱۷۱. همان، ج ۱، ص ۲۹.
۱۷۲. دائرةالمعارف تشیع، ج ۳، ص ۵.
۱۷۳. محمد محمدی آشتهاردی، بایں گری و بهایین گری، ص ۱۶۷، چاپ اول: ناشر کتاب آشنا، ۱۳۷۹ شمسی.
۱۷۴. فرهنگ و فرق اسلامی، ص ۳۸.
۱۷۵. علی ربانی گلپایگانی، فرقی و مذاهب کلاصی، ص ۳۵۱، چاپ دوم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۱ شمسی.
۱۷۶. فرهنگ و فرق اسلامی، ص ۳۹.
۱۷۷. معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۷۳۹.
۱۷۸. دائرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۳۵.
۱۷۹. الاعلام، ج ۶، ص ۲۰.
۱۸۰. دائرةالمعارف تشیع، ج ۳، ص ۴.
۱۸۱. الاعلام، ج ۶، ص ۲۰.
۱۸۲. همان، ج ۴، ص ۱۲۲.
۱۸۳. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹۵.
۱۸۴. همان، ج ۱، ص ۲۲۵.
۱۸۵. همان، ج ۲، ص ۵۵۰.
۱۸۶. همان، ص ۶۳۸.
۱۸۷. الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۸۸.
۱۸۸. همان، ج ۴، ص ۴۴۵.
۱۸۹. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۹۴.
۱۹۰. الذریعة، ج ۲، ص ۲۱۶.
۱۹۱. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت سوم و چهارم، ص ۱۶۰۲.
۱۹۲. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۵.
۱۹۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۳.
۱۹۴. الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۸۸.
۱۹۵. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۵ و ج ۲، ص ۶۶۶.
۱۹۶. معجم المؤلفین، ج ۱۲، ص ۶۰.
۱۹۷. الذریعة، ج ۳، ص ۴.
۱۹۸. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۸.
۱۹۹. معجم المؤلفی الشيعة، ص ۱۶۹.
۲۰۰. الذریعة، ج ۲۲، ص ۱۶۵.
۲۰۱. معجم المؤلفی الشيعة، ص ۲۱.
۲۰۲. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸۹.
۲۰۳. همان، ج ۱، ص ۶۴.
۲۰۴. الذریعة، ج ۱، ص ۲۹۰.
۲۰۵. ریحانة الادب، ج ۵، ص ۱۹.
۲۰۶. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۷۹.
۲۰۷. الذریعة، ج ۲، ص ۵۲.
۲۰۸. همان، ج ۱۵، ص ۳۶۰.
۲۰۹. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت اول، ص ۱۱۵.
۲۱۰. اعیان الشيعة، ج ۳، ص ۱۳۶.
۲۱۱. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۶۹.
۲۱۲. همان، ج ۲، ص ۶۳۷.
۲۱۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۰.
۲۱۴. الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۸۸.
۲۱۵. فرهنگ بزرگان، ص ۴۸۴.
۲۱۶. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت اول، ص ۳۲۵-۳۲۴.
۲۱۷. الذریعة، ج ۲، ص ۳۵۷.
۲۱۸. همان، ج ۳، ص ۱۷۹.
۲۱۹. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸۸.
۲۲۰. همان، ج ۲، ص ۴۹۰.
۲۲۱. طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۱، قسمت اول، ص ۳۲۵.
۲۲۲. همان.
۲۲۳. الذریعة، ج ۲۱، ص ۳۰.
۲۲۴. همان، ج ۲۳، ص ۲۹۰.
۲۲۵. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۳۴.
۲۲۶. همان، ص ۱۲۳ (قطع جیبی).
۲۲۷. همان، ج ۲، ص ۷۷۸.
۲۲۸. همان، ص ۴۶۳.
۲۲۹. همان، ص ۴۶۴.
۲۳۰. همان، ص ۵۱۴.
۲۳۱. همان، ص ۷۸۷.
۲۳۲. همان، ص ۴۶۳.
۲۳۳. همان، ص ۴۶۲.
۲۳۴. ریحانة الادب، ج ۵، ص ۱۹.
۲۳۵. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۴۹.
۲۳۶. همان، ج ۲، ص ۴۶۶.
۲۳۷. همان، ص ۴۶۷.
۲۳۸. الذریعة، ج ۱۳، ص ۲۴۸.
۲۳۹. همان، ص ۳۰۶.
۲۴۰. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۳۰۵.
۲۴۱. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۴۶.
۲۴۲. همان، ص ۳۸۲.
۲۴۳. الذریعة، ج ۱۰، ص ۲۱۹-۲۱۸.
۲۴۴. همان.
۲۴۵. همان.
۲۴۶. همان.
۲۴۷. همان.
۲۴۸. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹۴.
۲۴۹. الذریعة، ج ۲، ص ۷۰.
۲۵۰. همان، ج ۱۰، ص ۱۷۶-۱۷۷.
۲۵۱. همان.